

مطالعه کیفی بسترها و زمینه‌های مهاجرت بازگشتی اعضای هیئت علمی در شهر تهران^۱

آتیه عبدمولایی*، رضا صفری شالی**، شهلا کاظمی‌پور***

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۴)

چکیده

مطالعه حاضر درصدد شناسایی بسترها و زمینه‌های اثرگذار بر مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌ها در کشور در بازه ده‌ساله اخیر است. این مطالعه، با استفاده از روش کیفی داده‌بنیاد (گرنند تئوری) و با بهره‌گیری از ابزار مصاحبه صورت گرفت. جامعه مورد مطالعه شامل اساتیدی از دانشگاه‌های شهر تهران است که تجربه مهاجرت بازگشتی به ایران داشته‌اند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و گلوله‌برفی انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت، با ۳۰ نفر از اساتید دانشگاه مصاحبه انجام شد. یافته‌ها مبین آن است که عوامل علی مهاجرت بازگشتی اساتید شامل: عوامل اقتصادی (کمبودهای معیشتی - رفاهی باتوجه به وضعیت درآمدی فرد در خارج از کشور، مخارج بالای زندگی)، عوامل اجتماعی (احساس نابرابری اجتماعی، وضعیت مبهم اشتغال، احساس سرخوردگی و فقدان سرمایه اجتماعی) و عوامل فردی-انگیزشی و اخلاقی (تعلق و وابستگی به خانواده و دغدغه اعتلای علمی کشور) می‌باشند. در کنار عوامل نامبرده، عوامل زمینه‌ای شامل: عوامل روانشناختی (مشکلات روحی-روانی و تعلقات عاطفی فرد) و عوامل شغلی-علمی (امکان اشتغال و دافعه‌های شغلی)، به‌همراه عوامل مداخله‌گری چون، عدم بنیه مالی و نیز سیاست‌گذاری‌ها (مهاجرتی و شغلی) در بروز این پدیده، ایفای نقش می‌نمایند. یافته‌ها حکایت از چندبعدی بودن و درهم‌تنیدگی عوامل ساختاری، محیطی و عملیتی دارد که مجموعه این عوامل به‌صورت توأمان بر پدیده مهاجرت بازگشتی مؤثرند.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، مهاجران بازگشتی، تجربه‌زیسته، مهاجرت نخبگان، عوامل ساختاری و عملیتی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دوره دکتری نویسنده نخست می‌باشد.

* دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

E-mail: atyehmolaei@gmail.com

** دانشیار رفاه اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: reza_safaryshali@khu.ac.ir

*** دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

E-mail: skazemipour@gmail.com

مقدمه

مهاجرت اصطلاحاً اشاره به حرکت و جابه‌جایی جمعی یا فردی از یک مکان به مکان دیگر به علل و عوامل مختلف دارد (کوتاری^۱، ۲۰۰۲: ۱۵) که پیش از شکل‌گیری آن، مهاجران بر اساس سلسله‌مراتبی از ارزش‌ها و اهداف، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند و نتیجه این حرکت، تغییراتی در نظام کنش متقابل مهاجران بوده است (لهسانی‌زاده، ۱۳۶۸: ۳۸). اما این پدیده، در شکل امروزی با توجه به پیامدها و بازتاب‌هایی که در پی دارد شکل تازه‌ای به‌خود گرفته و وارد ابعاد تازه‌ای شده است. به‌علت گسترده‌گی مهاجرت در دنیای امروز، همه‌جوامع بشری به‌نحوی با چالش مهاجرت مواجه هستند. مهاجرت یکی از چهار عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت بوده و به‌عنوان پدیده اجتماعی دارای پیامد و بازتاب‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، سیاسی و امنیتی می‌باشد (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۱: ۸). پس مهاجرت به‌عنوان پدیده‌ای چندسویه که دارای ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است، در مفهوم کلی خود، مکمل تاریخ انسان است. در این میان، مهاجرت اساتید دانشگاه که در زمره نخبگان علمی قلمداد می‌گردند، همواره از مهمترین مسائل بحث‌انگیز کشورهای درحال توسعه است که رابطه تنگاتنگی با میزان توسعه‌یافتگی این کشورها دارد و می‌توان از این پدیده به‌مثابه «مهاجرت نخبگان» یا «فرار مغزها»^۲ نیز نام برد که صرفاً مبین جلای وطن نیروهای متخصص کشورها نیست، بلکه بیشتر به‌عنوان یک پدیده منفی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ از آن‌رو که عمدتاً، کشورهای درحال توسعه، در داخل کشور به تخصص آنان نیاز مبرم دارند (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۷۹: ۷). علی‌رغم نیاز به این نیروهای انسانی و علمی متخصص، ماهر و کارآمد، اما همواره مجموعه عوامل دافعه داخلی و با بسترهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، زمینه‌ساز مهاجرت این افراد می‌گردد. در این رابطه، «اورت. اس. لی» معتقد است هیچ‌گاه نمی‌توان مجموعه دقیق عواملی که فرد را مجبور به مهاجرت یا از آن منع می‌کند، احصا نمود. اما می‌توان آن‌هایی را که از اهمیت بیشتری برخوردارند مورد شناسایی قرارداد (لی^۳، ۱۹۶۶). اما به‌طور کلی، آنچه مسلم است آن است که تحلیل‌گران عمدتاً پدیده خروج نخبگان را برای کشورهای مهاجر فرست نامطلوب دانسته‌اند و از آن به‌عنوان یک بحران اجتماعی یاد کرده‌اند؛ زیرا معتقدند که این روند موجب توسعه و ترقی کشور مهاجرپذیر می‌شود (موسوی راد و قدسیان،

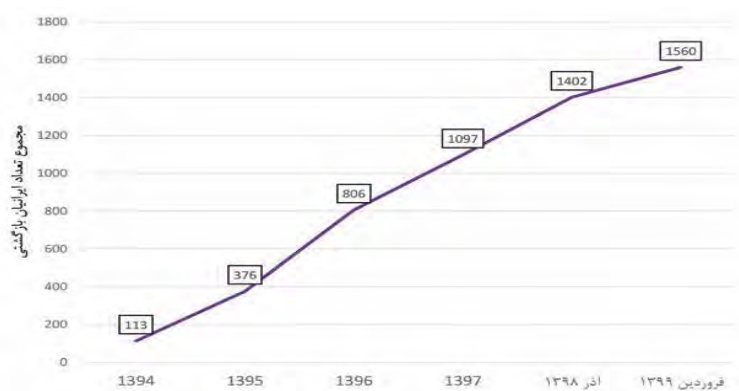
-
1. Kutari
 2. Brain Escape
 3. Lee

۱۳۹۴: ۳۷) درحالی که جامعه مبدأ را از وجود آنها محروم می‌سازد. اما در جایگاه مقابل، بازگشت و جذب نخبگان به جامعه خاستگاه؛ آغاز چرخه‌ای جدید و تجربه‌ای نو به‌شمار می‌رود؛ چرا که با ایجاد امکان انتقال دانش و فناوری به کشور، این مهاجرت‌ها می‌توانند برای کشورهای درحال توسعه مفید واقع شوند (رودگار^۱، ۲۰۱۴: ۶۱). اساساً، بسیاری از مهاجرین با این هدف در کشور مقصد زندگی می‌کنند که بالاخره روزی به وطنشان بازگردند. گملچ^۲ (۱۹۹۲) مهاجرت بازگشتی^۳ را تکمیل طبیعی چرخه مهاجرت قلمداد می‌کند. پژوهشگران معمولاً بازگشت را روندی تعریف می‌کنند که به‌واسطه آن، افراد پس از یک دوره حضور در کشور یا ناحیه‌ای دیگر، به کشور محل تولد خود بازمی‌گردند (کینگ^۴، ۲۰۰۰). اما باید توجه داشت که بازگشت نه یک اتفاق، بلکه روندی است که آمادگی و تصمیم‌گیری برای بازگشت، اقدام به بازگشت، پذیرش و ترتیبات صورت‌گرفته برای ادغام در جامعه پس از رسیدن به کشور مقصد را در بر می‌گیرد (بلک و کوسر^۵، ۱۹۹۹).

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای درحال توسعه، پدیده مهاجرت و نیز مهاجرت بازگشتی دانشگاهیان را تجربه نموده است؛ طبق یافته‌های رصدخانه مهاجرت ایران، در طول چهار سال گذشته، بیش از ۲۳۰۰ متخصص و فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های برتر جهان به داخل کشور بازگشته‌اند و مشغول به فعالیت هستند (صلواتی، ۱۳۹۹). شایان‌ذکر است، نرخ بازگشت متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی به داخل کشور از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ (۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ میلادی) روند صعودی و قابل‌توجهی داشته است. نمودار ۱، ترسیم‌کننده آمار تجمعی تعداد متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم می‌باشد که در برهه زمانی مذکور، به مهاجرت بازگشتی اقدام نموده‌اند. نمودار ۱ به‌خوبی مبین آن است که جمعیت متخصصان بازگشته از تراز ۱۰۰ نفر در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵ میلادی) به تراز ۱۵۰۰ نفر در سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰ میلادی) رسیده است. در این رابطه، بر مبنای اجرای طرح همکاری با متخصصان و دانشمندان ایرانی غیرمقیم است، که به‌منظور تسهیل شرایط ایرانیان بازگشتی انجام شده است، تعداد متخصصان ایرانی بازگشتی از اسفند سال ۱۳۹۴ تا فروردین سال ۱۳۹۹ به ۱۵۶۰ نفر رسیده است. به‌عبارت‌دیگر، از زمان آغاز رسمی این طرح، به‌طور متوسط، روزانه بیش از یک متخصص ایرانی به کشور بازگشته است (سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹: ۱۹۹).

1. Roudgar
2. Gmelch
3. Return Migration
4. King
5. Black & Koser

نمودار ۱: جمعیت متخصصان ایرانی بازگشتی (۱۳۹۴-۱۳۹۹)



منبع: سالنامه مهاجرتی ایران، ۱۳۹۹: ۱۹۸.

مجموع جذب دانشجویان و نخبگان بین‌المللی در داخل کشور و همچنین نرخ بازگشت متخصصان ایرانی باعث ارتقاء شاخص خالص چرخش نخبگان ایرانی از تراز $۰/۴۶-$ در سال ۲۰۱۱ به $۰/۳۱-$ در سال ۲۰۱۷ رسیده است (همان: ۳۳). اما با شروع اپیدمی کرونا در جهان و چالش‌های مشترکی برای همه مردم جهان به وجود آمد؛ اما بعضی از این چالش‌ها مختص گروه خاصی از اقشار اجتماعی است؛ به این شکل که با بروز بحران کووید ۱۹ شاهد افزایش مهاجرت اساتید دانشگاه‌ها به خارج از کشور بوده‌ایم؛ به طوری که بعضی از گروه‌های دانشگاهی کشور - از جمله مکانیک و کامپیوتر - تا ۳۰ درصد اساتید خود را از دست داده‌اند (انصاری، ۱۳۹۹) و به جای موج مهاجرت بازگشتی، شاهد موجی از مهاجرت به خارج در میان اساتید دانشگاه بوده‌ایم.

مطالعه حاضر، بر این باور است که مهاجرت بازگشتی، در کل پدیده‌ای مشتمل بر روندهایی از تغییرات مرحله به مرحله است که یک مهاجر در فرآیند مهاجرت و پس از بازگشت (از زمان تصمیم‌گیری برای خروج از کشور تا کنش نهایی حاصل از انتخاب میان ماندن و بازگشت) تجربه می‌کند. این مطالعه با هدف واکاوی عوامل علی مؤثر بر مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌های شهر تهران در ده سال اخیر، در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است که بر مبنای کدام عوامل، پدیده مهاجرت بازگشتی این اساتید به وقوع پیوسته است؟ برای درک این مهم، پژوهشگر از طریق مصاحبه با این اساتید، «تجربه زیسته» آنها را مورد واکاوی قرار داده است.

باتوجه به آنکه بخش عمده‌ای از مهاجران ایرانی خارج از کشور را متخصصان و تحصیل‌کردگانی تشکیل می‌دهد که سرمایه انسانی-علمی کشور قلمداد می‌گردند، بازگشت آنها به‌عنوان منبع عظیم سرمایه‌های انسانی، می‌تواند نقش مهمی در توسعه اجتماعی و فرهنگی کشور ایفا کند؛ چرا که امروزه پایه اقتدار و اعتبار کشورها به سرمایه‌های علمی آنها وابسته است؛ سرمایه‌های انسانی‌ای که عامل مهمی در توسعه هر کشوری محسوب می‌شود و جامعه مدت‌های مدید هزینه‌های زیادی جهت آموزش نیروی انسانی تقبل کرده و در راستای اهدافش به آنها نیاز مبرم دارد؛ اما به‌سبب مهاجرت، به‌بهای ارزان در اختیار کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته‌اند. از منظر پژوهشگر، اولین و مهمترین تأثیر مهاجرت اساتید و دانشگاهیان بر کشورهای مبدأ «اتلاف هزینه‌ها» و بر کشورهای مقصد «صرفه‌جویی در هزینه‌ها» می‌باشد و در عمل، مهاجرت نخبگان و نیروهای متبحر علمی و دانشگاهی کشور، دست در دست‌فقدان وسایل تحقیق و مطالعه داده و موجبات کندی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور گردیده است. بدین‌ترتیب، علت و معلول در یکدیگر اثر متقابل داشته و به‌اصطلاح دور تسلسلی را به وجود آورده‌اند. حال آنکه، بازگشت این نیروهای متخصص، مساوی است با انتقال تجربه و دانش کسب شده در خارج و به‌تبع آن افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی-اجتماعی کشور.

باتوجه به نقش بی‌بدیل نیروی انسانی متخصص و تحصیل‌کرده در توسعه کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران، بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر روند مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه به‌عنوان بخش مهمی از سرمایه‌های انسانی کشور و سیاست‌گذاری در جهت تقویت این روند، تأثیر بسزایی در افزایش سرعت توسعه کشور خواهد داشت. براین‌مبنا، بی‌شک انجام پژوهشی در این‌باره که به شناسایی عوامل علی‌اثرگذار در این پدیده می‌پردازد، بسیار کاربردی و اثرگذار خواهد بود؛ چرا که اگر به بازگشت نیروی انسانی در کشور توجه نشود، همچنان مهاجرت روند شتابنده داشته و آسیب‌ها و لطمات جبران‌ناپذیری بر ساختارهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سایر ابعاد گذارده و فرصت بهره‌برداری از این سرمایه‌گذاری‌ها را از کشور سلب می‌نماید. بنابراین شناسایی علل علی‌اثرگذار بر این پدیده بسیار حائز اهمیت بوده و اصلی‌ترین هدف نوشتار حاضر قلمداد می‌گردد؛ بدین‌ترتیب، هدف مطالعه حاضر شناسایی علل و بسترهای مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه به ایران است.

چارچوب مفهومی

پژوهشگران کیفی در مطالعات خود از رویکردها و مفاهیم به شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه این پژوهش وجوه اکتشافی دارد و مبتنی بر تئوری زمینه‌ای است، نظریه و مدل چندان مورد استفاده نیست و اساس پژوهش بر یافته‌های میدانی و کدگذاری‌های استخراجی و مقوله هسته قرار گرفته است. ارائه مفاهیم نظری در این بخش با هدف ایجاد حساسیت نظری-مفهومی بوده و این نظریات در حکم عناصر الهام‌بخشی هستند که ذهن محقق را باز نموده و با استفاده از آن‌ها ذهن خود را سامان می‌دهد، و به‌طور کلی با ابعاد مفاهیم و ایده‌های عمده آشنا می‌کند.

اصلی‌ترین و مهمترین مفهوم در مطالعه حاضر، مفهوم «مهاجرت بازگشتی»^۱ است که اشاره به وضعیتی دارد که مهاجرانی که تجربه مهاجرت بین‌المللی را از سر گذرانده‌اند، پس از مدت‌زمان قابل توجهی زندگی در خارج از کشور، با اراده شخصی به کشور خود بازمی‌گردند (داستن و ویس^۲، ۲۰۰۷: ۲۳۸). مهاجرت بازگشتی به‌عنوان مهاجرت دایره‌ای هم شناخته می‌شود؛ از آن‌رو که «بازگشت» روندی قلمداد می‌گردد که به‌واسطه آن، افراد پس از یک دوره حضور چشمگیر در کشور یا ناحیه‌ای دیگر، به کشور و محل تولد خود بازمی‌گردند (کینگ^۳، ۲۰۰۰). در تعریفی دیگر، مهاجرت بازگشتی، جریانی تلقی می‌گردد که در آن، فرد یا افرادی که بنا به دلایل مختلف نظیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی، از مکان مقصد یا سرزمینی که قبلاً به‌صورت محل سکونت جدید خود انتخاب کرده بودند، مجدداً به مکان اولیه بازگردند (قاسمی و همکاران، ۲۰۱۴). باید اذعان داشت که این بازگشت عمدتاً به‌خاطر عوامل کشش^۴ /جاذبه^۵ و عوامل دافعه^۶ در مبدأ و مقصد صورت می‌گیرد. براین مبنای، منظور از مهاجران در حال بازگشت، افرادی هستند که پس از مهاجرت به کشور دیگر (اعم از کوتاه‌مدت یا بلندمدت) به کشور مبدأ خود بازمی‌گردند و قصد دارند حداقل برای مدت یک سال در کشور خود بمانند (مرکز آمار سازمان ملل متحد، ۲۰۰۸).

به‌طور کلی، پدیده «بازگشت» را می‌توان بر اساس ملاک‌های مختلف دسته‌بندی کرد؛ برای مثال،

1. Return Migration
2. Dustmann & Weiss
3. King
4. Traction Factors
5. Gravity Factors
6. Repulsive Factors

اگر خواست و اراده فرد یا گروه بازگشته را در نظر بگیریم، با دو نوع «بازگشت اجباری»^۱ و «بازگشت داوطلبانه»^۲ سروکار خواهیم داشت. همچنین «فردی» و «گروهی» بودن بازگشت نیز می‌تواند ملاکی برای بررسی آن باشد. بونکرک^۳ (۱۹۷۴) بر اساس قصد بازگشت در هنگام مهاجرت، از «مهاجرت دائم» و «مهاجرت موقت» نام می‌برد و یک دوگانگی جدید از بازگشت واقعی در برابر عدم بازگشت به دست می‌دهد؛ جدول ۱ مبین چنین دسته‌بندی‌ای است.

جدول ۱: انواع بازگشت از دیدگاه بونکرک

بازگشت	عدم بازگشت	قصد ماندن بر اساس مدت
۲	۱	دائم
۳	۴	موقت

منبع: بونکرک، ۱۹۷۴: ۱۰

بر مبنای اطلاعات جدول فوق می‌توان انواع بازگشت و مهاجرت بازگشتی را بدین شرح تعریف نمود:

حالت یکم: مهاجرت به قصد دائم که بازگشتی در پی ندارد و نمونه‌های بسیاری از آن را می‌توان در دنیا سراغ گرفت.

حالت دوم: مهاجرت به قصد دائم که در نهایت به بازگشت می‌انجامد؛ مانند بازگشت مهاجران جنوب غرب اروپا از استرالیا، کانادا و ایالات متحد به خانه‌هایشان یا آن دسته از یونانیانی که به قصد اقامت دائم به ایالات متحده رفتند اما بین سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۳۱ به کشور مادری‌شان بازگشتند (سالوتوس، ۱۹۵۶).

حالت سوم: مهاجرت به قصد موقت که در نهایت به بازگشت مینجامد؛ مانند بازگشت مهاجران کار موقت از آلمان غربی، فرانسه بلژیک، هلند، انگلستان و سوئد به کشورهایشان.

حالت چهارم: مهاجرت به قصد موقت که بازگشتی در پی ندارد. مانند قشر دانشگاهی (دانشجویان و اساتید) کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته که برای تحصیل به کشورهای غربی می‌روند؛ اما پس از پایان تحصیلات، همانجا باقی می‌مانند و بازنمی‌گردند یا کارگران مهاجر در اروپای شرقی که بعد از مدتی همانجا ماندند و حتی خانواده‌های خود را نیز نزد خود آوردند

1. Forced Return
2. Voluntary Return
3. Bunker

(محمدی، ۱۳۹۴: ۲۷).

در مورد مهاجرت بازگشتی پنج رویکرد نظری وجود دارد (کاسارینو^۱، ۲۰۰۴؛ سترانا^۲ و همکاران، ۲۰۱۴).

۱. **رویکرد نئوکلاسیک**: در رویکرد نئوکلاسیک هر چند بر مفهوم تفاوت دستمزد بین نواحی فرستنده و گیرنده و نیز انتظارات مهاجر مبنی بر کسب درآمدهای بالاتر در کشورهای میزبان استوار است، اما مهاجرت بازگشتی را به مثابه نتیجه‌ای از تجربه شکست خورده مهاجرت تلقی می‌کند که در آن خواسته‌ها و امیدهای مورد انتظار برآورده نشده است (کاسارینو، ۲۰۰۴).

۲. **رویکرد اقتصادی**: به گفته استارک^۳ (۱۹۹۱) این رویکرد «تمرکز نظریه مهاجرتی را از استقلال فردی به وابستگی متقابل انتقال می‌دهد». یعنی به سطح خانواده یا خانوار. در این رویکرد بازگشت نتیجه طبیعی نوع تجربه در خارج است که مهاجران به بخشی از اهدافشان (یعنی درآمدهای بالا و پس‌انداز) دست یافته‌اند و بخشی از درآمدهایشان را به خانواده‌شان می‌فرستند و قصد بازگشت دارند.

۳. **رویکرد ساختاری**: رویکرد ساختاری هم به اهمیت شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشور مبدأ تأکید دارد؛ نه تنها به مثابه عوامل عمده در تصمیم به بازگشت، بلکه همچنین به مثابه اجزای تأثیرگذار بر توانایی مهاجران بازگشتی به استفاده از مهارت‌ها و منابعی که در خارج کسب کرده‌اند. این رویکرد، برخلاف اقتصاد جدید و نئوکلاسیک، موفقیت تجربه مهاجرت در خارج را به مثابه عاملی کلیدی در تصمیم به بازگشت تلقی نمی‌کند؛ در عوض بر بهره‌وری مهاجران بازگشتی پس از رسیدن‌شان به جامعه مبدأ تأکید دارند.

۴. **رویکرد فراملی‌گرایی**: در رویکرد فراملی‌گرایی بازگشت پایان یک چرخه مهاجرتی نیست، بلکه بخشی از سیستم چرخشی روابط و تبادلات اجتماعی و اقتصادی است که بازادغام مهاجران را تسهیل می‌بخشد، درحالی‌که دانش، اطلاعات و عضویت را انتقال می‌دهد. طبق این رویکرد، مهاجران بازادغام را توسط ملاقات‌های دوره‌ای از خانه آماده می‌سازند.

۵. **رویکرد شبکه اجتماعی**: در این رویکرد بازگشت‌کنندگان افرادی حامل منابع ملموس و

1. Casarino
2. Setrana
3. Stark

ناملموس هستند. در اینجا نیز افراد پیوندشان را با مکان‌های سابق اسکان‌شان در کشورهای دیگر حفظ می‌کنند. لیکن این پیوندها نتیجه مستقیم مشترک بودن مشخصه‌های مورد اشاره در رویکرد فراملی‌گرایی نیست. بلکه پیوندها بازتاب‌دهنده تجربه مهاجرتی هستند که می‌تواند کمکی مهم برای اقدامات و طرح‌های بازگشت‌کننده در خانه فراهم کنند. منابع مورد نیاز برای تضمین بازگشت به خانه نیز از الگوهای روابط بین‌فردی ریشه می‌گیرند که ممکن است از تجربیات گذشته مهاجرتی فرد نشئت بگیرند.

اما در نوشتار حاضر، با توجه به آنکه مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه مدنظر می‌باشد، این نوع مهاجرت بازگشتی را می‌توان در زمره «مهاجرت تحصیلی» نیز دسته‌بندی نمود. از آن‌رو که این‌گونه از مهاجرت را فردی دانشگاهی، در یک دوره گذار و تحول فرهنگی، حین درگیری با شیوه‌های شناختی متفاوت از یادگیری و کسب مهارت و تخصص (در کشور مقصد)، تجربه کرده است. در واقع، یک مهاجر تحصیلی، هم به معنای سنتی مهاجرت کرده است، یعنی اینکه از کشور محل زندگی خود به کشور دیگری نقل مکان کرده، و هم به نوعی از دانشگاه خود به دانشگاه و فضای آکادمیک دیگری با شیوه‌های شناختی و در یک کلام فرهنگ آموزشی متفاوت مهاجرت کرده و به تبع این امر، زندگی او از جهات گوناگون دستخوش دگرگونی شده است (کالینامیسون^۱، ۲۰۱۴). نظریات مطرح‌شده در خصوص جاذبه و دافعه^۲ در امر مهاجرت، به‌وضوح تبیین‌کننده علل و عوامل اثرگذار بر پدیده مهاجرت بازگشتی و متناسب با مطالعه پیش رو می‌باشد. از جمله این نظریات می‌توان به نظریه راونشتاین^۳ اشاره نمود که با ایجاد قوانین مهاجرت، اصول اولیه مهاجرت را توضیح داده است. بر مبنای این نظریه، اولین عامل فاصله است؛ راونشتاین معتقد است، بیشتر مهاجران، فواصل کوتاه را برای جابه‌جایی انتخاب می‌کنند و در این میان، مردان مسافت‌های طولانی و زنان مسافت‌های کوتاه را برای مهاجرت انتخاب می‌کنند. دومین عامل، شکل‌گیری مرحله به مرحله فرآیند مهاجرت است؛ به این صورت که مهاجران، ابتدا، از دهکده‌های نزدیک به طرف مرکز جاذبه یا محوطه شهری خواهند آمد و همان‌طور که صنعت و تجارت به رشد خود ادامه می‌دهد، مهاجران را از دهکده‌های خیلی دور نیز جذب خواهد کرد. سوم، تفاوت در تمایلات مردم روستایی و شهری در مورد مهاجرت است؛ اینکه جمعیت شهری کمتر از اهالی روستا میل به مهاجرت دارند

1. Colinamison
2. Push-Pull Theory
3. Ravenstien

و چهارم، پیشرفت در تکنولوژی و بهبود روش‌های حمل و نقل است که به افزایش در مهاجرت منتهی می‌شود. ضمن اینکه به عقیدهٔ راونشتاین، پشت فرآیند مهاجرت عقلانیت نهفته است و افراد در یک تصمیم عقلایی مبنی بر محاسبهٔ هزینه‌ها و سودهای مهاجرت، تصمیم به مهاجرت می‌گیرند. در این میان، با ترکیب عوامل اقتصادی در مبدأ به‌عنوان عوامل رانشی و عوامل کششی در مقصد، جریان مهاجرت تاحدزیادی توضیح داده می‌شود. شایان ذکر است راونشتاین بر این باور است که سرچشمهٔ مهاجرت بین‌المللی عقب‌ماندگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه است که این شرایط اقتصادی به‌عنوان عوامل رانشی یا نیروهای خروجی عمل کرده و مهاجرت‌های قانونی و غیرقانونی را به طرف ملل صنعتی تشویق می‌کنند. البته عوامل کششی یا ربایشی هم در کشورهای دریافت‌کننده (دستمزدهای بالاتر، اشتغال، سیستم‌های رفاهی بهتر و...)، به اندازهٔ عوامل رانشی (دستمزدهای پایین، بیکاری، رشد کند اقتصادی یا رکود اقتصادی و فقر) تبیین‌کننده آن است که چرا و چگونه جریان مهاجرت بین‌المللی شکل می‌گیرد (ولاز کوزا، ۲۰۰۰: ۱۶۸-۱۳۷).

در کنار این نظریه، لازم است به نظریه عوامل دافعه و جاذبه اورت. اس. لی^۲ نیز اشاره شود. به نظر لی، تصمیم به مهاجرت تحت تأثیر چهار عامل قرار دارد: ۱. عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارد؛ ۲. عواملی که با حوزه مقصد ارتباط دارد؛ ۳. موانع بازدارنده (فاصله مکانی، موانع فیزیکی، قوانین مهاجرت و...) و ۴. عوامل شخصی. نکته قوت نظریه لی، تأکید درست و به‌جای او درباره عوامل شخصی است و بر اساس آن، اگر برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۲). البته در این میان، موانع مداخله‌گر یا بازدارنده نیز بر تصمیم به مهاجرت تأثیر می‌گذارند که یکی از این عوامل، فاصله است. فاصله مفهومی است که می‌تواند هم فیزیکی و هم فرهنگی - اجتماعی تلقی گردد. در فاصله فیزیکی، صحبت از زمان و هزینه لازم برای مسافرت است، ولی فاصله اجتماعی - فرهنگی در رابطه با باورها، گرایشات، زبان، مذهب و عواملی از این قبیل است که مبدأ و مقصد را از یکدیگر متمایز می‌سازد. همچنین لی معتقد است، برخی عوامل فردی وجود دارند که در شروع مهاجرت تأثیر داشته

1. Velazquez
2. Evert. S. Lee

و آن را آسان می‌کنند یا به عقب می‌اندازند. برخی از این عوامل در تمامی دوران زندگی فرد کم و بیش ثابت هستند؛ حال آنکه عوامل دیگر مربوط به دوران خاصی می‌باشند و این عوامل از یک مرحله به مرحله دیگر تغییر می‌کنند. عامل دیگری که از دید لی منجر به افزایش در حجم مهاجرت می‌شود، فزونی اختلافات میان مردم و آشکار شدن این اختلاف‌ها است. در یک اجتماع بدوی یا کشاورزی، تخصصی شدن محدود بوده و اختلافات میان افراد به دلسردی آنان منجر می‌شود (حاجی‌یوسفی و بهمرد، ۱۳۸۵: ۳۸-۳۹)؛ بنابراین، در یک اجتماع پیشرفته و در موارد متعددی، تعدد و تحقق بیش‌تر این تخصص‌ها، نیاز به پرورش استعدادها و تربیت خاص را ایجاد می‌کند. افزایش تکنولوژی نقش مهمی در کاستن موانع بازدارنده ایفا می‌کند، ارتباط آسان‌تر می‌شود و حمل‌ونقل ارزان‌تر و در دسترس‌تر می‌شود. تکنولوژی پیشرفته حتی اگر هیچ‌گونه تغییری در تعادل میان عوامل مبدأ و مقصد به وجود نیاورد، به‌تنهایی می‌تواند بر حجم مهاجرت بیفزاید. از طرفی، شکل‌گیری مهاجرت خود نیز سبب افزایش مهاجرت می‌گردد. شخصی که یک‌بار مهاجرت کرده و قیودی که وی را به محل زندگی کودکی‌اش بند کرده، گسسته است، بیش از هر فرد دیگری که هرگز مهاجرت نکرده میل به مهاجرت دارد. همچنین از دید لی، ترکیبی از عوامل منفی در کشور مبدأ و عوامل مثبت در مقصد، احتمال مهاجرت را افزایش می‌دهد. در این مدل، مهاجر به‌عنوان فردی در نظر گرفته شده است که از شرایط مبدأ و مقصد آگاهی دارد و عواملی در نقطه مبدأ سبب راندن فرد از آنجا می‌شود (عوامل رانشی)؛ به‌دنبال آن، در مناطق دیگر عواملی مثبت سبب جذب او می‌شوند (عوامل کششی). شرایط زندگی فرد و ویژگی‌های روانی وی نیز در این امر تأثیر دارند. در مدل لی، احتمال تصمیم به مهاجرت آنگاه بیش‌تر است که عوامل دفع (منفی) در مبدأ و عوامل جذب (مثبت) در مقصد بیش‌تر باشد (همان، ۴۰).

پیشینه تحقیق

تدقیق و تأمل صورت‌گرفته در ادبیات موضوع حاکی از آن است که در مطالعات داخلی و خارجی پژوهش‌های اندکی در مورد مهاجران بازگشتی یا به‌طور کلی پدیده مهاجرت بازگشتی صورت پذیرفته است؛ پیرو و اکسیته (۲۰۱۲) به‌روشنی یکی از دلایل مهم مغفول ماندن حوزه مهاجرت‌های بازگشتی در مطالعات حوزه مهاجرت‌های بین‌المللی را تمرکز تحقیقات بر وضعیت مهاجران در

کشورهای توسعه‌یافته عنوان نموده‌اند (پی‌یر و اکسینته^۱، ۲۰۱۲، به نقل از سعیدی، ۱۳۹۸). با این وجود، عمده مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه، با رویکردی همدلانه و با تمرکز بر فهم کنشگران از زندگی خودشان انجام شده و مبین عمده‌ترین انگیزه مهاجران بازگشتی می‌باشد؛ به طوری که، سندر^۲ (۲۰۱۸) در مطالعه خود بیان می‌کند که دلایل فرهنگی، خانوادگی و عاطفی نسبت به دلایل اقتصادی یا حرفه‌ای غالب است. او نزدیک شدن به دوستان، خانواده و سرزمین مادری را عمده‌ترین انگیزه مهاجرت بازگشتی عنوان نموده است.

کوثر و همکارانش (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای تطبیقی، به این نتایج دست یافتند که تصمیم به بازگشت، تحت تأثیر شرایط ساختاری (در کشور خاستگاه و کشور میزبان)، شرایط فردی (شامل ویژگی‌های فردی و روابط اجتماعی) و مداخلات سیاسی (مشوق‌ها و بازدارنده‌ها) می‌باشد. عمدتاً بازگشت روندی است که افراد درباره تصمیم و زمان اقدام به آن با اعضای خانواده و دوستان خود مشورت می‌کنند. معمولاً زنان و کودکان از تصمیم برای بازگشت راضی نیستند. با این حال، شرایطی چون خستگی از وضعیت موجود، نارضایتی از جامعه میزبان، وضعیت نامناسب شغلی و...، خانواده را مجبور به بازگشت می‌کند. سالخورده‌گان اما ممکن است از شرایط اجتماعی جامعه میزبان، هزینه بالای زندگی و موارد دیگر ناراضی باشند و تمایل به بازگشت داشته باشند.

پژوهش مشترک یهودا استرنفلد^۳ و میرسکی^۴ (۲۰۱۴)، میل و تعلق به جامعه میزبان را عمده‌ترین انگیزه مهاجران بازگشتی عنوان نموده است. سنپورکلی^۵ و منجیوار^۶ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان «امیدها و ترس‌های مهاجرین ترکیه در زمینه مهاجرت بازگشتی»، به دنبال پیدا کردن فرایندی بودند که بر اساس آن مهاجرین تصمیم می‌گیرند به وطن خود بازگردند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که عوامل متعدد قابل کنترل و غیرقابل کنترل و نیز عوامل سطح خرد و کلان، هم در وطن و هم در کشور میزبان، به مرور زمان با هم تعامل می‌کنند تا اینکه مهاجرت بازگشتی اتفاق بیفتد، بر این مبنا، همواره بسیاری از مهاجرین برای مشارکت یا عدم مشارکت در مهاجرت بازگشتی، در حالی از تردید به سر می‌برند.

1. Pierre & Axinte
2. Sener
3. Yudah Sternfeld
4. Mirsky
5. Seniorkley
6. Manjivar

هااس^۱ و فوکما^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر انطباق و تعلقات چند ملیتی بر روی انگیزه‌های مهاجرت‌های بین‌المللی بازگشتی» بیان می‌کنند، درحالی‌که مهاجرت بازگشتی توجهات روبه‌افزایشی را به خود جلب کرده است، اما هنوز درک ناکارآمدی از عوامل تعیین‌کننده، انگیزه و تصمیمات مهاجران، برای بازگشت وجود دارد. اغلب پنداشته می‌شود که یکپارچگی فرد با کشور مقصد و تضعیف تعهدات بین‌المللی در همان زمان، احتمال بازگشت را کاهش می‌دهد. با این وجود، بنابر تفاسیر نظری جایگزین، مهاجرت بازگشتی همچنین می‌تواند نتیجه یکپارچگی موفقیت‌آمیز فرد مهاجر در کشور مقصد هم باشد. دیگر یافته‌ی این پژوهش حاکی از آن است که یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی تأثیر منفی بر انگیزه‌های مهاجرت بازگشتی دارد، درحالی‌که تأثیر یکپارچگی اقتصادی و تعهدات بین‌المللی مبهم‌تر است و در برخی اوقات تأثیر مثبت دارد.

در کنار پژوهش‌هایی که ذکر آن رفت، در داخل کشور نیز پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع مقاله حاضر به انجام رسیده است. صناعی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور» آورده است: مهمترین مشوق بازگشت دلایل شخصی و میهنی افراد است. همچنین مهمترین مانع بازگشت کیفیت زندگی است؛ همچنان‌که برای افرادی که فی‌الواقع در معرض تصمیم به بازگشت یا عدم بازگشت هستند، موانع اقتصادی نقشی پررنگ دارند ولی به‌مرور زمان نقش این موانع کم‌رنگ‌تر می‌شود و نقش عواملی مانند کیفیت زندگی افزایش می‌یابد و به‌طور کلی، با طولانی شدن زمان اقامت احتمال بازگشت کاهش می‌یابد.

یافته‌های پژوهش مشفق و نصری (۱۳۹۷) با عنوان «مهاجرت بازگشتی دانشجویان ایرانی و تعیین‌کننده‌های آن؛ مطالعه‌ای در بین دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و کانادا» نیز مبین آن بوده است که در میان عوامل اجتماعی، میزان انطباق‌پذیری اجتماعی و احساس تعلق ملی و خانوادگی، بیشترین رابطه را با میزان تمایل به بازگشت داشته و پس از آن به ترتیب شبکه ارتباطات در ایران و نگرش نسبت به وضعیت اقتصادی جامعه مبدأ، بیشترین سهم را در تبیین میزان تمایل به بازگشت ایفا می‌نماید. قاسمی اردهایی و همکارانش (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان «علل و تعیین‌کننده‌های مهاجرت بازگشتی» آورده‌اند که پیروی از خانوار، دستیابی به مسکن بهتر و اشتغال از عوامل تعیین‌کننده در بازگشت مهاجران به مبدأ مهاجرت‌شان بوده است.

باتوجه به یافته‌های پژوهش‌هایی که تاکنون پیرامون بازگشت مهاجرین به انجام رسیده است، مطالعه کیفی علل و بسترهای مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه، علی‌رغم اهمیت زیادی که می‌تواند داشته باشد، کاری است که به‌ویژه در ایران کمتر صورت گرفته و همچنان خلأ پژوهشی در این حوزه به چشم می‌خورد. به‌همین دلیل، پژوهش حاضر تلاش دارد تا با مطالعه علل و بسترهای مهاجرت بازگشتی مهاجران ایرانی از مهاجرتشان به کشورهای مختلف، معانی ذهنی کنشگران را باتوجه به پرسش پژوهش فهم کند. این معانی روند تغییراتی (در فرایند مهاجرت و پس از بازگشت) که یک مهاجر ایرانی از زمان تصمیم‌گیری برای خروج از کشور تا کنش نهایی حاصل از انتخاب میان ماندن و بازگشت، تجربه می‌کند را در بر می‌گیرد. این تغییرات به شکل مرحله‌ای در زندگی فرد رخ می‌دهد که می‌توان گفت هر تجربه او در این سفر، مرحله‌ای برای تغییر است و هر تغییر تجربه‌ای را درون او برانگیخته یا تقویت می‌کند. تلاش می‌شود در این پژوهش هر فردی روایتی از مفاهیم خویشتن و اجتماعات پیرامونش را ارائه نماید.

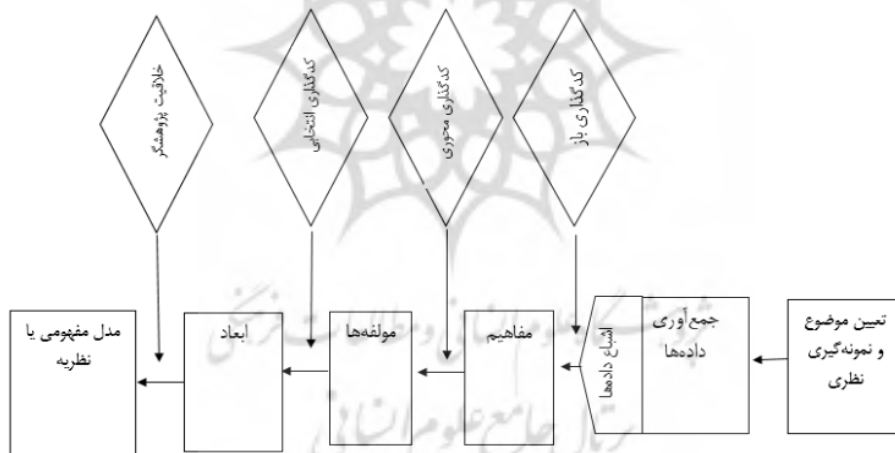
روش تحقیق و داده‌ها

مطالعه حاضر از منظر هدف، تحقیقی بنیادی-کاربردی است. این پژوهش از منظر روش گردآوری داده‌ها، پژوهشی اسنادی (با مراجعه به کتب، مقالات و...) و میدانی (مصاحبه نیمه‌ساختاریافته) قلمداد می‌گردد و از منظر ماهیت داده، در گروه تحقیقات «کیفی» جای می‌گیرد. روش پژوهش انتخابی در این مطالعه، روش «اکتشافی» مبتنی بر تئوری زمینه‌ای^۱ (نظریه مبنایی، نگرش پایه‌ای یا داده‌بنیاد) و بر مبنای نظریات گلیزر^۲ و استرواس^۳ می‌باشد که از جمله روش پژوهش‌های استقرایی^۴ و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های موضوعی گوناگون امکان می‌دهد تا به‌جای اتکاء به تئوری‌های موجود، خود به تدوین تئوری از طریق تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مشاهدات اقدام نماید. لازم به ذکر است که به منظور اجرایی نمودن این روش، از تکنیک مصاحبه کیفی عمیق به شیوه «نیمه‌ساخت‌یافته»^۵ استفاده گردید؛ سپس با دسته‌بندی و تقلیل داده‌ها به سمت کدهای باز، محوری و گزینشی پردازش اطلاعات صورت پذیرفت. کدگذاری‌های باز^۶ فرایند تحلیلی است که

1. Grounded Theory
2. Glazer
3. Strauss
4. Inductive
5. Semi-Structured
6. Open Coding

از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن در داده‌ها کشف می‌گردد. در این فرایند، ویژگی‌های کلی پدیده مورد مطالعه و ابعاد و متغیرهای مربوط به پدیده شناسایی، نام‌گذاری و طبقه‌بندی می‌شوند. در ادامه، فرایند ربط دادن مقوله‌ها به زیرمقوله‌هایشان و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد صورت پذیرفت که به این فرایند کدگذاری محوری^۱ می‌گویند. در کدگذاری محوری، پژوهشگر داده‌هایی را که در کدگذاری باز خرد شده‌اند را در کنار هم قرار می‌دهد. به تعبیری دیگر باید گفت، در کدگذاری باز، پژوهشگر مقوله‌ها و ویژگی‌های آن را تولید می‌کند، پس از آن کوشش وی بر این است تا با کدگذاری محوری ابعاد مختلف مقوله‌ها را مشخص کند، آنها را پرورش دهد و به مقوله‌های محوری متصل کند. تا وقتی که مقوله‌های محوری به یکدیگر نپیوندند و طرح نظری بزرگ‌تری را شکل ندهند، یافته‌های پژوهش شکل نظریه به‌خود نمی‌گیرند. این مهم از کار ویژه‌های کدگذاری گزینشی یا انتخابی^۲ است.

نمودار ۲: فرایند اجرای نظریه داده‌بنیاد



1. Axial Coding
2. Selective Coding

شایان ذکر است، در اعتباریابی در پژوهش حاضر، برای دستیابی به اعتماد مورد نیاز برای تأیید علمی پژوهش، از فن‌های رایج اعتباریابی از سه ملاک قابل بودن^۱، تأییدپذیری^۲ و قابلیت اطمینان^۳ استفاده شده است. در مورد ملاک قابل بودن و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای برخی از افراد شرکت‌کننده در مصاحبه ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آنها با مطالب ذکر شده و یافته‌های پژوهش مشخص گردد. به منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها، تلاش شد تا فرآیندها و تصمیم‌های مربوط به پژوهش به‌طور مستند و واضح در متن پژوهش تشریح شود. در ضمن، نتایج حاصله به سایر گروه‌ها و محیط‌های مشابه، سؤالات مصاحبه و نتایج پژوهش در اختیار تعدادی از کارشناسان و اعضای هیئت علمی که در پژوهش حاضر مشارکت‌کننده نبوده‌اند، قرار گرفت تا انتقال‌پذیری و تناسب آن نیز بررسی شود. حاصل این روند، ضمن تأیید یافته‌ها، ارائه یک سری تجربیات و دیدگاه‌های تکمیلی بود که در فرآیند تحلیلی داده‌ها به‌کار گرفته شده است.

جامعه هدف و نمونه تحقیق

باتوجه به رویکرد کیفی پژوهش، نمی‌توان از ابتدا حجم ثابتی را برای نمونه، که مشارکت‌کننده خوانده می‌شوند، تعریف نمود. زیرا اساس گروه نمونه، مفاهیم و مسائل نظری است که طی دوره پژوهش به وجود می‌آید. بنابراین، حجم نمونه نیز در ابتدای پژوهش قابل محاسبه نبود. براین اساس، جامعه هدف تحقیق حاضر شامل اساتید هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران (دانشگاه‌های: تهران، علامه طباطبایی، شهید بهشتی و تربیت مدرس) در رشته‌های علوم انسانی و فنی مهندسی است که طی ده سال اخیر به ایران بازگشته‌اند. نکته شایان ذکر این است که اساتید هیئت علمی به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: الف) اساتیدی که بورس شده و با حمایت بودجه دولتی و دانشگاهی اقدام به مهاجرت نموده و ب) اساتیدی که بورسیه نبوده و با بودجه شخصی مهاجرت کرده‌اند. در این پژوهش، جامعه هدف مورد مطالعه، گروه دوم می‌باشند که می‌توان گفت در جریان مهاجرت بازگشتی، اجبار و التزامی نداشته و بر مبنای تصمیم فردی خود اقدام به بازگشت نموده‌اند. مشخصات اساتید مصاحبه شونده به شرح جدول ۲ است.

1. Acceptability
2. Confirmability
3. Dependability

جدول ۲: مشخصات مشارکت‌کنندگان (مصاحبه‌شوندگان) در تحقیق

مصاحبه‌شونده	جنسیت	سن	رشته تحصیلی	تعداد سال‌های اقامت در خارج از کشور
۱	مرد	۳۷	انسان‌شناسی	۵ سال
۲	مرد	۴۶	انسان‌شناسی	۸ سال
۳	مرد	۳۶	سنجش از راه دور	۲ سال
۴	زن	۴۹	الکترونیک	۶ سال
۵	مرد	۴۳	حقوق اقتصادی	۱۱ سال
۶	مرد	۴۱	نفت	۷ سال
۷	زن	۴۵	مددکاری اجتماعی	۵ سال
۸	مرد	۴۶	ریاضی	۹ سال
۹	مرد	۵۱	انسان‌شناسی	۷ سال
۱۰	مرد	۴۵	جامعه‌شناسی	۷ سال
۱۱	زن	۴۲	زبان آلمانی	۴/۵ سال
۱۲	زن	۴۶	انسان‌شناسی	۸ سال
۱۳	مرد	۴۰	برق	۲ سال
۱۴	مرد	۴۹	جامعه‌شناسی	۶ سال
۱۵	مرد	۴۰	نانو الکترونیک	۶ سال
۱۶	مرد	۴۷	مطالعات جمعیتی	۳ سال
۱۷	زن	۴۱	آمار	۱ سال
۱۸	مرد	۴۹	مدیریت آموزشی	۷ سال
۱۹	مرد	۴۶	جامعه‌شناسی	۳ سال
۲۰	مرد	۴۳	مهندسی پزشکی	۱ سال
۲۱	مرد	۵۲	علوم تربیتی	۷ سال
۲۲	مرد	۵۱	روانشناسی	۶ سال
۲۳	مرد	۳۹	جامعه‌شناسی	۳ سال
۲۴	مرد	۴۲	جمعیت‌شناسی	۲ سال
۲۵	مرد	۴۴	مهندسی پزشکی	۷ سال
۲۶	مرد	۳۸	زبان آلمانی	کمتر از ۱ سال (۹ ماه)
۲۷	مرد	۳۹	شیمی	۷ سال
۲۸	زن	۴۳	معماری	۳ سال
۲۹	مرد	۴۷	حقوق	۵ سال
۳۰	مرد	۴۹	روانشناسی	۴ سال

بر این مبنای پژوهشگر اقدام به انجام مصاحبه با اساتید دانشگاه‌های شهر تهران نموده تا بر مبنای آن، گردآوری داده‌های پژوهش، صورت پذیرد؛ گردآوری داده تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت؛ بدین صورت که از مجموع ۳۰ مصاحبه انجام شده با اساتید، در مصاحبه بیست و پنجم، کد اولیه جدیدی اتخاذ نشد و نقطه اشباع اطمینان حاصل گردید. باین وجود، پژوهشگر جهت اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها را تا ۳۰ مورد ادامه داد. شایان ذکر است، برای تعیین شیوه نمونه‌گیری (انتخاب شرکت‌کنندگان در تحقیق) از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی به شکل «هدفمند و گلوله برفی» استفاده گردید.

شایان ذکر است، باتوجه به اینکه این نوشتار به دنبال به مطالعه کیفی بسترها و زمینه‌های مهاجرت بازگشتی اعضای هیئت علمی بوده است، لذا وجه پیامدی (که معمولاً در پژوهش‌های تئوری زمینه‌ای آورده می‌شود)، به خاطر جلوگیری از اطناب کلام در مقاله دیگری خواهد آمد و در اینجا صرفاً اشاره مختصری به عناوین آن خواهد شد.

یافته‌ها

یافته‌های حاصل از بخش کدگذاری باز

پس از مطالعه دقیق متن مصاحبه‌ها، گزاره‌هایی استخراج گردید و سپس تلاش شد در راستای کدگذاری باز، به اعمال برچسب مفهومی به واحدهای معنادار برآمده از مصاحبه‌ها پرداخته شود. مجموع کدهای باز استخراج شده از متن مصاحبه‌ها به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳: یافته‌های حاصل از کدگذاری باز

مفاهیم	فراوانی	گزاره‌ها
	۳	استفاده از تجارب تحصیلی و اندوخته علمی خود در کشورم.
انتقال تجربیات علمی	۳	فکر می‌کردم که وقتی می‌خواهم برگردم به ایران لازم است که چنین تجربه‌ای را با خودم داشته باشم (کلاس فلان استاد، شکل برگزاری کلاس و بینم و خیلی برایم جذاب بود) و به این فکر می‌کردم برای خیلی از دانشجویها در ایران ممکن است هیچ وقت این فرصت ایجاد نشود.
اعتلای سطح علمی، فرهنگی و اقتصادی کشور	۸	آموزش فنون جدید متناسب با رشته و تخصص خود به جوانان این کشور و در راستای آن آبادانی ایران.
	۹	توسعه سریع تر و هر چه بیشتر کشور با کاربست مهارت‌ها و تخصص‌های کسب شده.
تبعیضات موجود در فضای	۶	مشکلات جذب در دانشگاه میزبان وجود داشت. یک عالمه جوان که با خود من در فلو شیب بودند و آلمانی بودند، عملاً شانس نداشتیم که وارد آکادمی بشویم و اولویت با آلمانی‌ها بود.

مفاهیم	فراوانی	گزاره‌ها
علمی و دانشگاهی	۱	بیشتر فرصت‌های شغلی و پروژه‌ها در اختیار سوئدی‌ها بود و این اطمینان وجود نداشت که ما موفق شویم موقعیت‌های شغلی و مطالعاتی بعدی را تحصیل نماییم.
نابرابری‌های اجتماعی	۴	مهاجران در کشورهای اروپایی به چشم جنس دوم نگاه می‌شوند و نگاه برابری از سانی میان شهروندان و مهاجران وجود ندارد.
در خارج از کشور	۱۲	اونجا سخت است که کار در شأن خودتان پیدا کنی و باید دنبال کار سطح پایین باشی مثل پرستاری از بچه، کار در رستوران، رانندگی و... به تعبیری تعارض میان شأن اجتماعی و شغل به چشم می‌خورد.
	۱۷	عدم دستیابی به درآمد مورد انتظار در خارج از کشور.
عدم رفاه و بهبود وضعیت اقتصادی در خارج از کشور	۱۳	فکر می‌کردم سطح زندگی مردم در اروپا بهتر از ایران است، اما در واقع این‌گونه نبود و هزینه‌های زندگی در اروپا خیلی بالاست.
	۱۰	درآمد و عایدی مهاجران به مراتب کمتر از شهروندان آن کشور بود مضافاً اینکه در عمل امکان اشتغال بر هر نوع شغلی نیز برای ما فراهم نبود. به تعبیری تفاوت‌های شغلی و درآمدی بین مهاجران و شهروندان اروپایی به چشم می‌خورد.
معضلات اجتماعی	۱۳	وقتی تعداد بیکاران افزایش می‌یابد، میزان مهاجرت نیز بیشتر می‌شود. به جهت بیکاری ترجیح دادم به ایران برگردم.
جامعه اروپا	۴	در خارج از کشور، مهاجران در شرایط نابرابری قرار دارند و این نابرابری باتوجه به تجربه من مهم‌ترین آسیب و چالش است.
حسن ناسیونالیستی حاکم بر اروپا	۱	فرانسوی‌ها خیلی ناسیونالیست هستند و آدم‌های دیگر را جنس دوم می‌بینند و حس می‌کنی که از آنها نیستی و جدای از جامعه اروپایی هستی.
تفاوت بودن	۱	تو جمع دانشجویان در خارج از کشور می‌رفتم، دیدم که خیلی افراد عادی‌ای هستند تنها چیزی که برایشان مهم بود این بود که پول در بیاورند و تعطیلات تابستان رو جایی بروند و تابستان تمام نشده بود کاتالوگ‌های زمستانی رو می‌زشان بود.
تصورات با واقعیات	۱۶	اساساً فکر می‌کردم در خارج از کشور، درآمد بهتری داشته باشم اما این‌گونه نبود. بیشتر در فرانسه شاخص رفاه مطرح بود و من فرانسه‌ای که تو ذهنم بود فرانسه دهه ۶۰ بود (جو روشنفکری، در کافه نشستن و بحث‌های روشنفکری). در صورتی که واقعیت این‌گونه نبود، فرانسه امروز با دهه ۶۰ فرق می‌کرد و دغدغه مردم رفاهی است تا روشنفکری.
وجود فرصت‌های شغلی و کاری در ایران	۲	اون موقع برگشتم چون آن موقع سه تا پیشنهاد شغلی داشتم.
	۱	انجام پروژه در کشور. آمدم تا در پروژه‌های نفتی راه پیدا کنم.

مفاهیم	فراوانی	گزاره‌ها
		محدودیت شغل آکادمیک در اروپا وجود داشت. در برخی رشته‌ها از جمله در رشته انسان‌شناسی می‌شود در مارکت‌ها و تحقیقات و مطالعه مشتریان بری یا برای سازمان ملل کار کنی ولی من این‌گونه نبودم و این گزینه رو دوست نداشتم و دوست داشتم که یک کار آکادمیک انجام بدم و ترجیح دادم که به ایران بازگردم تا یک کار غیرآکادمیک در آلمان انجام بدهم.
عدم اشتغال و رضایت شغلی در خارج از کشور	۲	مشکل جذب در دانشگاه را داشتم. در آلمان وضع خیلی جذاب نیست دانشگاه‌ها این مدلی هستند که تا استاد فوت نکند کسی نمی‌تواند جای آنها را بگیرد.
	۱	خیلی نقشی به لحاظ کاری در کشور آمریکا نداشتم.
	۸	حاضر نبودم به هر قیمتی صندوق‌دار بشم یا پیتزا جابه‌جا کنم و به هر قیمتی آنجا بمانم، من انتظاراتی از خودم داشتم اما موفق نشدم شغلی که متناسب با شأنم است آنجا پیدا کنم.
	۹	نمی‌شد به راحتی در فضای علمی و دانشگاهی آنجا جذب شد.
	۱	در گفتگویی که با سوپروایزر داشتم به این نتیجه رسیدم اگر من بخواهم در سوئد بمانم سهمی که در توسعه و پیشرفت خواهم داشت در حد چند تا پروژه و چاپ یک سری مقالات خواهد بود و بیش از این نمی‌توان تأثیری در جامعه سوئد بگذارم؛ ولی اگر برگردم در ایران بخواهم یک سری تأثیرات در رشته خودم داشته باشم قاعدتاً گستردگی و اثربخشی آن خیلی بیشتر خواهد بود نسبت به سوئد.
	۸	تفاوت‌های شغلی - درآمدی مهاجران با شهروندان.
	۱۲	هزینه‌های تحصیلی در انگلیس خیلی زیاد بود و صرفاً اگر پول داشته باشی همه چی خوب پیش می‌ره.
	۱۶	عدم تأمین مالی.
هزینه بالای تحصیل و زندگی در خارج از کشور	۲	برای هزینه تحصیل شغل کارگری ساختمان داشتم و درآمد کم بود و نتوانستم در آلمان بمانم.
	۱۲	در انگلیس مسکن خیلی گران بود هرچند که من خودم در ایران خانه داشتم و دیدیم زندگی در آنجا خیلی هزینه دارد برای همین برگشتم.
	۱۹	بحث اقتصادی خیلی فشار می‌آورد و موقعیت شغلی هم نبود نه برای خودم و نه برای همسرم لذا تصمیم گرفتیم برگردیم به ایران.
دلبستگی به موطن و خانواده خود (فردی و انگیزشی)	۵	کسی که از لحاظ عاطفی قوی نیست یک آدم درمانده است و بودن پیش خانواده را ترجیح می‌دهد. من به همین دلیل برگشتم.
	۱۱	دلبستگی به زادگاه، والدین و خویشاوندانم در ایران داشتم و نتوانستم دور از آنها تاب بیاورم.

مفاهیم	فراوانی	گزاره‌ها
	۹	من عاشق خانواده، اقوام و دوستانم هستم، عاشق دید و بازدید و رفت و آمد با آنها و نشست و برخاست و درد و دل کردن با کس و کارم هستم. در اروپا اینجوری نیست، من نتونستم اونجا دوام بیاورم.
	۷	وطن پرستی، بازگشت به زادگاه و وابستگی به خاک (احساسات ناسیونالیستی و حس وطن پرستی).
	۱	خانواده داشتم و امکان هم نداشت که همه زندگی رو اونجا ببرم.
	۱	مخالفت همسر و عدم همراهی او در مهاجرت به اروپا سبب شد به فکر بازگشت بیافتم.
	۳	احساس مسئولیت نسبت به خانواده داشتم به جهت مسایل خانوادگی جاذبه ماندن کم می‌شود.
	۱	همسرم در ایران بود و نمی‌تونستم طلاق بگیرم و به جهت تداوم زندگی خانوادگی مجبور شدم به ایران آمدم
	۳	هرچند در کشوری پیشرفته زندگی می‌کردم اما در نهایت به این باور رسیدم که علی‌رغم آنکه در ایران کمبودهایی وجود دارد اما زندگی در کنار خانواده و بودن با عزیزانم را ترجیح دادم.
	۵	در زمانی که خارج از کشور بودم، یک گپ عاطفی همیشه داشتم و آن اینکه نتوانستم به پدر و مادر برسم، بهشون رسیدگی کنم، اگر مریض بودن ازشون مراقبت کنم و... .
	۸	روابط اجتماعی و انسجام خویشاوندی و دوستی در ایران خیلی محکم‌تر است؛ برای مثال من اگر حالم خوب نباشد و بخواهم با کسی درد دل کنم ده نفر وقتشان را خالی می‌کنند و با من می‌آیند بیرون. ولی در جامعه فرانسوی این را ندیدم.
	۱۰	افسردگی ناشی از مهاجرت را تجربه نمودم.
دچار شدن فرد به مشکلات روحی و روانی در غربت	۱۰	احساس تنهایی شدید داشتم، در غربت به آدم حس تنهایی و بی‌کس بودن دست می‌دهد.
	۱۳	احساس غربتی که در خارج از ایران داری گاه‌آه غیرقابل تحمل است. اصلاً کسی کاری به دیگری ندارد و همسایه هم به شما کاری نداشت و این غربت را برای شما غیرقابل تحمل می‌کند.
	۸	در یک دهه اخیر، کشورهای اروپایی خارجی‌ها رو دیگه تحویل نمی‌گیرند.
تغییر در سیاست‌های مهاجرتی اروپا	۱۳	آلمانی‌ها نمی‌خواهند نیروی کارشون رو فقط از یک کشور بگیرند به خاطر وحشتی است که از اقلیت‌ها دارند. برای همین نیروی کار بین کشورهای مثل ایران - سوریه - افغانستان - لهستان تقسیم می‌شود و هر کدام از این کشورها سهم دارند.
	۶	طولانی شدن فرآیند دریافت حقوق و امکانات شهروندی برای مهاجران در اروپا

با تأمل بر مفاهیم استخراج شده در مرحله کدگذاری باز، تلاش گردید کدهای محوری مربوط به شرایط علی پدیده مهاجرت بازگشتی - به عنوان یکی از زمینه‌ها و بسترهای اثرگذار بر پدیده مهاجرت بازگشتی اساتید- تعیین گردید. تدقیق و تأمل صورت گرفته حاکی از آن است که عوامل متعددی در مهاجرت بازگشتی اساتید به کشور دخیل بوده است که عبارتند از: الف) عوامل اقتصادی،^۱ ب) عوامل اجتماعی^۲ و ج) عوامل اخلاقی.^۳ شایان ذکر است، هر یک از علل مذکور، یک مقوله اصلی را به خود اختصاص داده و مشتمل بر زیرمقوله‌هایی به شرح ذیل است:

جدول ۴: نتایج حاصل از کدگذاری محوری مقوله‌های مرتبط با شرایط علی

کد	زیر مقوله	مقوله اصلی	مقوله محوری	بعد
EF1	عدم درآمد در خارج از کشور	کمبودهای	عوامل اقتصادی (EF)	شرایط علی بازگشتی اساتید
EF2	عدم رضایت شغلی در خارج از کشور	معیشتی- رفاهی		
EF3	عدم بهبود سطح زندگی و رفاه اقتصادی	اساتید		
EF4	تفاوت‌های شغلی- درآمدی مهاجران با شهروندان			
EF5	هزینه بالای زندگی در خارج از کشور	مخارج زندگی در	عوامل اجتماعی (SF)	
EF6	هزینه بالای تحصیل در خارج از کشور	خارج از کشور		
SF1	تبعیضات موجود در فضای علمی و دانشگاهی	نابرابری اجتماعی	عوامل اجتماعی (SF)	
SF2	عدم حفظ شأن اجتماعی و حرفه‌ای اساتید			
SF3	نبود زمینه شغلی در غرب (بیکاری)	اشتغال		
SF4	وجود فرصت شغلی در ایران			
SF5	تفاوت ذهنیت با واقعیت زندگی در غرب	سرخوردگی	عوامل اجتماعی (SF)	
SF6	دفاعیه‌های موجود در کشور	اجتماعی		
SF7	نگرش (حس ناسیونالیستی) حاکم بر اروپا	فقدان سرمایه		
SF8	عدم احساس وابستگی اجتماعی	اجتماعی		
MF1	انتقال تجربیات، مهارت و تخصص به کشور	تعهد درونی نسبت	عوامل فردی و انگیزشی - اخلاقی (MF)	
MF2	توسعه کشور مقصد (ایران)	به وطن و خانواده		
MF3	دلبستگی به موطن و خانواده خود			

1. Economic Factors
2. Social Factors
3. Moral Factors

همان‌گونه که از اطلاعات مندرج در جدول ۴ نمایان است، از میان عواملی علی متعددی که در بروز پدیده «مهاجرت بازگشتی» اساتید دخیل بوده‌اند، سهم و میزان اثرگذاری «علل اقتصادی» و «علل اجتماعی»، به نسبت دیگر علل، بیشتر بوده و زیرمقوله‌های بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. به تعبیری دیگر، مصاحبه‌شوندگان عمده‌ترین عللی که سبب شده است آنها ترغیب، مشتاق و یا در مواردی مجبور به مهاجرت بازگشتی گردند را «علل اقتصادی» عنوان نموده و در این زمینه، عللی چون: کمبودهای معیشتی رفاهی و نیز مخارج بالای زندگی در خارج از کشور را اثرگذار دانسته‌اند.

در کنار علل اقتصادی، مصاحبه‌شوندگان عمده‌ترین علل مهاجرت بازگشتی خود را علل اجتماعی‌ای چون، نابرابری اجتماعی حاکم بر جوامع اروپایی، عدم اشتغال یا اشتغال نامناسب و... عنوان نموده‌اند. بررسی کدهای باز احصاء شده در مرحله پیشین، مرتبط با شرایط علی پدیده مهاجرت بازگشتی اساتید، مبین آن بود که در میان عوامل اجتماعی، همواره «اشتغال»، یکی از عوامل مهم و عمده در تصمیم‌گیری افراد برای مهاجرت به مکانی دیگر بوده است (بهروزی‌نیا، ۲۰۰۱: ۵۳۲)؛ درخصوص مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه نیز بررسی‌ها و یافته‌های حاصل از مصاحبه نیز این مهم را مورد تأکید قرار داده است که اشتغال آنها - اشتغال به شغل و حرفه‌ای متناسب با مهارت و شأن علمی و دانشگاهی اساتید - نقش بسیار پررنگی در میان عوامل اجتماعی مهاجرت بازگشتی داشته است. بی‌شک اگر اساتیدی که اقدام به مهاجرت به سمت کشورهای آمریکا، کانادا و کشورهای اروپایی نموده‌اند، موفق به یافتن شغلی مناسب و درخور شأن خود می‌گشتند، به تبع آن، به درآمد مورد انتظار (درآمد انتظاری) خود دست پیدا نموده، بهبود وضعیت رفاهی خود و خانواده را شاهد بوده و بسیاری از فشارهای ناشی از بالا بودن هزینه زندگی و تحصیل در اروپا را تجربه نمی‌نمودند و در نهایت تصمیم به مهاجرت بازگشتی نمی‌گرفتند. اما در عرصه عمل، به سبب عدم اشتغال و نیز بیکاری اساتید یا اجبار به اشتغال به مشاغل کاذب و دوراز شأن و منزلت اساتید، ماحصل تجربه زیسته اساتید از مهاجرت، عدم بهبود و رفاه اقتصادی، تفاوت‌های شغلی - درآمدی میان مهاجران و ساکنان، نابرابری‌های اجتماعی و به تبع آن سرخوردگی‌های اجتماعی، متحمل شدن هزینه‌های بالای زندگی و تحصیل در خارج از کشور و... بوده است. هرچند عوامل علی اقتصادی و اجتماعی بیشترین اثرگذاری را بر وقوع پدیده مهاجرت بازگشتی داشته‌اند، اما نباید

از نقش و اثرگذاری عواملی فردی، انگیزشی و اخلاقی غافل شد؛ چرا که مصاحبه‌شوندگان، در کنار عوامل اقتصادی و اجتماعی، به دغدغه‌هایشان درخصوص اعتلای علمی کشور، انتقال تجربیات، مهارت و تخصص به کشور و به تبع آن توسعه هرچه بیشتر و روزافزون کشور تأکید داشته‌اند؛ چرا که دلبسته موطن و خانواده‌ای هستند که در سرزمین مادری زندگی می‌کنند.

در کنار عوامل علی‌مذکور، نباید از نقش و اثرگذاری عوامل زمینه‌ای غفلت کرد؛ چرا که بررسی‌های صورت گرفته مبین آن است که مصاحبه‌شوندگان، بسترها و عوامل زمینه‌ای چون: عللی روانشناختی و نیز شغلی/ علمی را در بروز پدیده مهاجرت بازگشتی به کشور، اثرگذار عنوان نموده‌اند.

جدول ۵: نتایج حاصل از کدگذاری محوری مقوله‌های مرتبط با شرایط زمینه‌ای

کد	زیر مقوله	مقوله اصلی	مقوله محوری	بعد
PF1	احساس سرخوردگی			بنا بر اساس مقوله‌های بیابان‌گردی
PF2	افسردگی ناشی از مهاجرت	مشکلات روحی- روانی	عوامل روانشناختی (PF)	
PF3	احساس تنهایی			
PF4	وابستگی خانوادگی	تعلقات عاطفی		
O/SF1	دشواری فرآیند جذب هیئت علمی	امکان اشتغال	عوامل شغلی/ علمی	بنا بر اساس مقوله‌های بیابان‌گردی
O/SF2	تنزل سطح علمی دانشگاه‌ها در کشور	دفاعه‌های شغلی	(O/SF)	
O/SF3	بی‌اخلاقی در فضای علمی			

همان‌گونه که اطلاعات جدول ۵ حکایت دارد، از میان دو عامل زمینه‌ای مذکور، عوامل روانشناختی - که می‌توان آنها را به‌نوعی عوامل فردی نیز برشمرد- بیشترین فراوانی زیرمقوله‌ها را به خود اختصاص داده و به‌نظر می‌رسد که بیش از دیگر عوامل، بسترساز مهاجر بازگشتی اساتید بوده‌اند. بررسی مستندات مصاحبه‌ها نیز گواه آن است که ۱۱ نفر از مصاحبه‌شوندگان اذعان داشته‌اند که «دلبستگی به والدین و خویشاوندانم در ایران داشتم و نتوانستم دور از آنها تاب بیاورم» و یا اینکه ۹ نفر از مصاحبه‌شوندگان بیان داشته‌اند که «من عاشق خانواده، اقوام و دوستانم هستم، عاشق دید و بازدید و رفت و آمد با آنها و نشست و برخاست و درددل کردن با کس و کارم هستم. در اروپا این جور نیست، من نتوانستم اونجا دوام بیاورم». ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان ابراز داشتند که

«احساس تنهایی شدید داشتم، در غربت به آدم حس تنهایی و بی‌کس بودن دست می‌دهد» و... می‌باید اذعان نمود که منشأ اصلی این مقوله به عاملیت «خانواده» برمی‌گردد؛ بدین معنا که دل‌بستگی و نیازهای عاطفی که فرد به خانواده و روابط خانوادگی دارد، تحمل شرایط غربت را برای مهاجر سخت نموده و وی را با مشکلات روحی و روانی ناشی از این فراق مواجه می‌نماید. اما با توجه به جامعه مورد مطالعه (اساتید دانشگاه) که شغل و سطح تحصیلاتشان هویت‌بخش آنها محسوب می‌گردد، نقش عامل زمینه‌ای «شغلی / علمی» برجسته می‌شود. برای توضیح بیشتر در این خصوص باید ابتدا خاطرنشان کرد که امروزه نه تنها افراد به دنبال یافتن شغل هستند، بلکه برای دستیابی به شغل بهتر و با درآمد بیشتر، به نواحی و نیز کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند و اساساً شغل عاملی اثرگذار در مهاجرت محسوب می‌شود. نیروی کار ویژه و باکیفیت - از قبیل اساتید دانشگاه - همواره به دنبال انتخاب محیط بهتری برای زندگی خود و فرزندان‌شان هستند. براین مبنای، دشواری فرایند جذب اعضای هیئت علمی، می‌تواند یک عامل زمینه‌ای در تصمیم آنها به مهاجرت باشد. علاوه بر این، دافعه‌های بروز یافته در فضای علمی و دانشگاهی، بلاخص در یک دهه اخیر، به مثابه دافعه‌های شغلی و فضای علمی، اساتید را از فضای دانشگاهی کشور دلسرد نموده و زمینه‌ساز ترغیب آنها به مهاجرت خارج از کشور شده است؛ به این امید که در آنجا، شاهد ناملازمات در فضای علمی نبوده و در عرصه و بستری مطلوب و متناسب با شأن استادی و دانشگاهی، به تدریس و پژوهش پردازند.

از دیگر بسترها و زمینه‌های مهاجرت بازگشتی اساتید، اثرگذاری عوامل مداخله‌گری چون، «عدم بنیه مالی»^۱ و «سیاست‌گذاری‌های حاکم»^۲ است. بی‌شک هر یک از موارد مذکور، حکم مقوله اصلی را داشته و دربرگیرنده زیرمقوله‌هایی متفاوت می‌باشند. البته در این میان، تغییر در سیاست‌گذاری‌های حاکم بر اروپا نیز بی‌تأثیر نبوده است. تغییر در سیاست‌های مهاجرتی اروپا و بوروکراسی اداری و دست‌وپاگیر آن و طولانی شدن فرایند اعطای شهروندی به مهاجران و به تبع آن، عدم بهره‌مندی آنها از حمایت‌های مربوطه (کمک‌هزینه زندگی تخصیص یافته به مهاجرین، بیمه و...)، تغییر در سیاست‌های تأمین نیروی کار (اولویت با جذب آفریقایی‌تبارها در مقایسه با آسیایی‌تبارها، کاهش سهمیه و ظرفیت جذب نیروهای خارجی در مقایسه با نیروهای کار بومی و...)

1. Lack of Financial Strength
2. Policies

نیز در این خصوص اثرگذار بوده است. برای نمونه، ۶ نفر از مصاحبه‌شوندگان بیان داشتند که «آلمانی‌ها بر اساس سیاست‌های مهاجرتی خود نمی‌خواهند نیروی کارشان را فقط از یک کشور بگیرند. و این به خاطر وحشتی است که از اقلیت‌ها دارند. لذا ظرفیت نیروی کار مهاجر را بین کشورهای مثل ایران، سوریه، افغانستان و لهستان تقسیم نموده و هر کدام از این کشورها در تأمین نیروی کار این کشور سهم خاصی دارند» و نیز ۱۳ نفر، بر «طولانی شدن فرایند دریافت حقوق و امکانات شهروندی برای مهاجران در غرب» تأکید کرده‌اند.

تأمل در عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر مذکور و نیز تدقیق بیشتر در متن مصاحبه‌ها حکایت از آن دارد که مهاجرت بازگشتی به‌مثابه مقوله اصلی و محوری مطالعه حاضر، در کل، پدیده‌ای دارای دو مقوله (چیستی و مؤلفه) با زیرمقوله‌هایی شامل: پدیده‌ای اجتماعی، پدیده‌ای خود جوش، پایان یک دوره اقامت طولانی مدت در سرزمینی دیگر، بازگشت به سرزمین اولیه (مبدأ)، مبتنی بر کنشگری اساتید، مبتنی بر مهاجرت بین‌المللی، مبتنی بر تمایلات شخصی، واکنشی نسبت به جذابیت مبدأ، و واکنشی نسبت به دافعه مقصد، می‌باشد.

با تمرکز بر محتوای زیرمقوله‌های فوق، مهاجرت بازگشتی را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: فرایندی است که بر اساس آن، افراد بعد از یک دوره اقامت طولانی مدت در سرزمین دیگر (مقصد)، با تمایل خود، به سرزمین اولیه (مبدأ) باز می‌گردند. این پدیده بیشتر واکنشی است نسبت به ایجاد جذابیت در مبدأ و دافعه‌هایی در مقصد. این موضوع سبب شکل‌گیری جریانی می‌گردد که در آن، فرد یا افراد (اساتید) بنا به دلایل مختلف از سرزمینی که به‌عنوان محل سکونت جدید خود انتخاب کرده بودند، دوباره به سرزمین اولیه خود باز می‌گردند. این بازگشت بیشتر به‌واسطه عوامل کشش/جاذبه در مبدأ، نسبت به عوامل دافعه در مقصد صورت می‌گیرد و عمدتاً مبتنی بر حرکت و جابه‌جایی افراد مهاجر از مناطقی با فرصت‌های کم به سوی مکان‌هایی با فرصت‌های بهتر است. پدیده‌ای با چنین ویژگی‌ها و مختصاتی، بی‌شک واجد پیامدهایی خواهد بود. با تدقیق بر مفاهیم استخراج‌شده در مرحله کدگذاری باز، کدهای محوری مربوط به پیامدهای این پدیده، مشخص گردید.

در خصوص وجه پیامدی، شاهد مقولات اقتصادی (اشتغال، رفاه و سطح زندگی و...) علمی و فرهنگی (اعتلای سطح علمی و فرهنگی، ایجاد تحولات مثبت و...) اجتماعی (عدم رضایت شغلی، کمبود امکانات، احساس نابرابری و...) می‌باشیم.

یافته‌ها ما را به این نتیجه رهنمون می‌کنند که مهاجرت بازگشتی اساتید به کشور، آثار و پیامدهایی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در پی خواهد داشت؛ آثار و پیامدهایی که کوتاه‌مدت یا بلندمدت بوده، دارای ابعاد منفی و مثبت هستند و درنهایت، کشور را دگرگون می‌نمایند. درواقع، اساتید مهاجر بازگشتی، واجد معلومات علمی، مهارتی، فناورانه و تخصصی هستند. آنها این معلومات و مهارت‌ها را در خارج از کشور فراگرفته و با بازگشت خود، به کشور هدیه می‌دهند. انتقال این تجربیات و ارائه آنها به دانشجویان و نسل جوان و پویا در کشور، زمینه‌ساز توسعه سطح علمی و فناوری و به تبع آن خلاقیت و نوآوری در کشور شده و دستاوردهای علمی و فناورانه را برای کشور به ارمغان خواهد آورد. ازسوی دیگر، مهاجرت بازگشتی تأثیر مثبتی بر تعامل اجتماعی، کیفیت زندگی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی کشور خواهد داشت. به نحوی که می‌توان گفت: مهاجران بازگشتی کنشگران ایجاد تحولات اجتماعی محسوب می‌شوند. این مهاجران که تجربه مهاجرت و زندگی در کشورهای پیشرفته را ازسرگذرانده‌اند، بر مبنای تجربه زیسته خود، درک کرده‌اند که حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... به چشم می‌خورد؛ لذا راهکار ایجاد تحول در جامعه، اعتراض، بروز خشونت و انقلاب اجتماعی نیست؛ بلکه باید بر مبنای صعه صدر و با درایت، مطالبات اجتماعی مردم از مسئولین مطرح و پاسخگویی شود و تنها در این صورت است که تحولات مثبت اجتماعی رخ خواهد داد. ازسوی دیگر، مشاهدات و تجربیات این مهاجران مبین آن است که آنچه جوامع اروپایی را به سوی پیشرفت و توسعه سوق داده است، اعتماد و مشارکت اجتماعی است، نه بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی اجتماعی. اساتید مهاجر بازگشتی با انتقال چنین تجربیاتی به قشر جوان و تحصیل‌کرده در فضای دانشگاه‌ها، بی‌شک می‌توانند بسترساز وقوع تحولات اجتماعی مثبت در جامعه باشند.

در کنار پیامدهای مثبتی که ذکر آن رفت، تدقیق در پیامدهای پدیده مهاجرت بازگشتی اساتید، ذهن ما را متوجه پیامدهای منفی این پدیده نیز می‌نماید؛ به طوری که برخی از مصاحبه‌شوندگان پیامد عدم رضایت از شرایط موجود (نارضایتی) را مطرح کرده‌اند و این امر را ناشی از عواملی چون: نبود فرصت‌های شغلی در کشور برای اساتید بازگشته، دشواری و گاهاً عدم دسترسی اساتید به منابع جدید (این عامل، در عمل، آنها را در پیشرفت فرایندهای علمی و پژوهشی خود در کشور دچار چالش‌هایی نموده است)، به‌روزنبودن سطح علمی دانشگاه‌های کشور متناسب با سطح علمی اساتید مهاجر بازگشته (خصوصاً در رشته‌های فنی و مهندسی، اساتید اعلام می‌کنند که سطح علمی

دانشگاه‌های اروپایی بسیار بالاتر از سطح علمی دانشگاه‌های داخل است)، کمبود امکانات آموزشی (این کمبود در شرایط پسا کرونا و رواج آموزش آنلاین در کشور، به وضوح نمایان بود و کاستی‌های آموزش مجازی در کشور برای اساتید و دانشجویان معضلاتی را در پی داشته و دارد)، عدم شایسته‌سالاری در کشور و وجود نابرابری‌های اجتماعی عنوان نموده‌اند.

تأمل بر پیامدهای مذکور، در آخر ما را به این جمع‌بندی سوق می‌دهد که پدیده مهاجرت بازگشتی اساتید به کشور، با پیامدهایی که در ابعاد چندگانه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی در کشور در پی دارد، نیازمند مدیریت است. این مدیریت مبتنی بر راهبردهایی خواهد بود که از جمله آنها می‌توان به راهبردهای مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی اشاره نمود. در زمره راهبردهای مدیریتی می‌توان مواردی از قبیل تغییر در سیاست‌های جذب هیئت علمی در کشور، کاستن از خلأ میان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان دانشگاهی، نگاه مدیریتی مبتنی بر عدالت به تمامی رشته‌های دانشگاهی، حذف ملاک‌های گزینشی نامتعارف در جذب اساتید، تسریع در فرآیند جذب هیئت علمی، اصلاح فرایند احراز صلاحیت چندلایه اساتید، و ضابطه‌مند نمودن جذب هیئت علمی در کشور اشاره کرد. در راهبردهای اقتصادی، اعمال سازوکارهایی چون، ایجاد ثبات اقتصادی در کشور، تأمین مالی اساتید و به تبع آن رفع معضلات معیشتی و درآمدی اساتید، و افزایش بودجه پژوهشی در دانشگاه‌ها قابل ذکر است. در زمره راهبردهای اجتماعی نیز اعمال سازوکارهایی از قبیل، رفع بی‌عدالتی در تسهیلات و درآمد اساتید، ارتقاء نظام جامع بیمه‌ای و رفاه اجتماعی اساتید، و حفظ و ارتقاء شأن اجتماعی اساتید دانشگاه قابل طرح می‌باشند.

یافته‌های حاصل از بخش کدگذاری انتخابی

مرحله نهایی تئوری زمینه‌ای کدگذاری انتخابی و انتخاب مقوله واحد و نهایی از مقوله‌های احصاء شده در مرحله قبل (کدگذاری محوری) می‌باشد. در این مرحله، محقق با بررسی دقیق مقوله‌های به دست آمده نسبت به انتخاب مقوله نهایی اقدام می‌نماید. با تأمل در کدهای محوری احصاء شده در خصوص شرایط علی مهاجرت بازگشتی اساتید، عوامل علی «کلان، میانه و خرد» به عنوان کد انتخابی ارائه می‌گردد که به صورت زیر نشان داده شده است:

الف) عوامل اقتصادی (عوامل کلان): کمبودهای معیشتی رفاهی اساتید و مخارج بالای

زندگی در خارج از کشور.

ب) عوامل اجتماعی (عوامل میانه): نابرابری‌های اجتماعی، اشتغال، سرخوردگی اجتماعی، و سرمایه اجتماعی.

ج) عوامل فردی و انگیزشی (خرد): دلبستگی به اعتلای علمی کشور، دلبستگی به موطن و خانواده خود.

مقوله واحد و نهایی ارائه شده که با تأمل بر مقوله‌های محوری «عوامل اقتصادی»، «عوامل اجتماعی» و «عوامل فردی- انگیزشی»، احصاء شده است، اشاره به چندبعدی بودن عوامل و بسترهای علمی مهاجرت بازگشتی دارد که عوامل در سطح کلان (اقتصادی)، در سطح میانه (اجتماعی) و نیز در سطح خرد و فردی (انگیزشی) را دربرمی‌گیرد. این درحالی است که تدقیق در کدهای محوری احصاء شده درخصوص عوامل زمینه‌ای این پدیده، مبین آن است که کدهای محوری «عوامل روانشناختی» و «عوامل شغلی/علمی»، اشاره به یکسری عوامل «فردی و محیطی» دارد که زمینه‌ساز پدیده مهاجرت بازگشتی اساتید می‌گردد؛ لذا کد انتخابی برای این سازه، «عوامل شخصی» است که به صورت زیر است:

الف) عوامل روانشناختی: سرخوردگی، تعلقات عاطفی، وابستگی خانوادگی، افسردگی و ...
ب) عوامل شغلی/علمی: دشواری فرآیند جذب هیئت علمی، تنزل سطح علمی دانشگاه‌ها در کشور، بی‌اخلاقی در فضای علمی و ...

مقوله واحد و نهایی ارائه شده که با تأمل بر مقوله‌های محوری مذکور احصاء شده است، اشاره به آن دارد که عوامل زمینه‌ای دربرگیرنده عواملی در دو بُعد فردی و محیطی می‌باشد. با در نظر گرفتن مفاهیم و مقوله‌های محوری تحقیق و در نظر گرفتن نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود، به نظر محققان، مقوله هسته را می‌توان «اثرگذاری مستقیم عوامل فردی و محیطی» تحلیل و تفسیر نمود. در کنار بسترهای مذکور، تدقیق در کدهای محوری احصاء شده درخصوص شرایط مداخله‌گر پدیده مهاجرت بازگشتی حاکی از آن است که کدهای محوری «عدم بنیه مالی» و «سیاست‌گذاری‌های حاکم»، اشاره به اثرگذاری عوامل مداخله‌ای اقتصادی و سیاسی دارد که بر تأثیرگذاری عوامل علمی و زمینه‌ای دخیل می‌باشد. براین مبنا می‌توان کد انتخابی برای این سازه را «عوامل کلان اقتصادی- سیاسی» عنوان نمود که به صورت زیر است:

الف) عدم بنیه مالی: هزینه بالای تحصیل و زندگی در اروپا و کمبودهای معیشتی و رفاهی اساتید.

ب) سیاست‌گذاری‌های حاکم: تغییر در سیاست‌های مهاجرتی اروپا، سیاست‌های جذب هیئت علمی و سیاست‌های ناسیونالیستی حاکم بر اروپا.

مقوله واحد و نهایی ارائه شده که با تأمل بر مقوله‌های محوری «عدم بنیه مالی» و «سیاست‌گذاری‌های حاکم» احصاء شده است، اشاره به آن دارد که هر چند مهاجرت بازگشتی پدیده‌ای اجتماعی قلمداد می‌گردد اما عوامل اقتصادی و سیاسی نیز در بروز این پدیده دخیل هستند. بر مبنای مقوله هسته که نشان‌دهنده مضمون اصلی پژوهش و انتزاع شده از سایر مقوله‌های عمده پژوهش است، می‌توان گفت یکی از جدی‌ترین چالش‌های مربوط به تحلیل داده‌های حاصل از روش نظریه زمینه‌ای، استخراج مقوله هسته‌ای است که بتواند مضامین مربوط به مفاهیم و مقوله‌های محوری تحقیق را پوشش دهد. با در نظر گرفتن مفاهیم و مقوله‌های محوری تحقیق و در نظر گرفتن نظریه‌های جامعه‌شناختی موجود، به نظر محققان، مقوله هسته را می‌توان «درهم تنیدگی عوامل ساختاری، محیطی و عاملیتی» و «واکنشی به شرایط اقتصادی و غیراقتصادی غرب (کشورهای اروپایی و آمریکایی)» تحلیل و تفسیر نمود؛ بدین معنا که هر چند ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و شرایط محیطی بر کنش افراد تأثیرگذارند اما از نقش و اختیار فردی (که معمولاً بر اساس انتخاب عقلانی صورت می‌گیرد) در این خصوص نباید غافل ماند و همواره ساختار بر کارگزار (کنشگر/مهاجر) اثرگذار می‌باشد؛ بدین معنا که جاذبه‌های کلان اقتصادی و اجتماعی مقصد بر وقوع پدیده مهاجرت بازگشتی مؤثر بوده و در این بین، مداخله‌گری تمایلات، که منشأ فردی و شخصی دارد، در کنار عوامل ساختاری در انتخاب افراد تأثیرگذار است. لذا در مجموع، ترکیب عوامل ساختاری و عاملیتی زمینه‌ساز آن می‌گردد که فرد، تصمیم به مهاجرت بازگشتی را اتخاذ نماید. بدین ترتیب مجموعه عوامل ساختاری، محیطی و فردی در مورد مهاجرت بازگشتی با مجموعه گفته‌های پنج رویکرد نظری: «نئوکلاسیک‌ها و اقتصاد جدید، ساختارگرایی، فراملی‌گرایی و نظریه شبکه اجتماعی» همراه هستند و گزاره مهم استخراجی از تئوری زمینه‌ای درهم‌تنیدگی عوامل ساختاری، محیطی و عاملیتی است.

با تأمل در کدهای محوری احصاء شده در خصوص پدیده محوری مهاجرت بازگشتی اساتید، در خواهیم یافت که کدهای محوری «چیستی» و «مؤلفه‌ها»، اشاره به پدیده‌ای دارد که واجد ابعاد و پیامدهایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد؛ لذا کد انتخابی برای این سازه، پدیده اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد که می‌توان به شکل زیر بیان نمود:

الف) چپستی: پدیده‌ای اجتماعی، خودجوش، پایان یک دوره اقامت طولانی مدت در سرزمینی دیگر، مبتنی بر کنشگری اساتید و

ب) مؤلفه‌ها: واکنشی نسبت به جذابیت مبدأ، واکنشی نسبت به دافعه‌های مقصد، واجد پیامدها و آثار، مبتنی بر شغل و موقعیت‌های بهتر اقتصادی و

مقوله واحد و نهایی ارائه شده که با تأمل بر مقوله‌های محوری «چپستی» و «مؤلفه‌ها»، احصاء شده است، اشاره به آن دارد که مهاجرت بازگشتی اساتید، پدیده‌ای ناشی از کنش فردی، در عین حال زمینه‌ها، بسترهای، پیامدها و آثاری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فردی و فرهنگی دارد؛ لذا مقوله هسته در این خصوص را می‌توان «درهم‌تندگی عوامل و آثار فردی-ساختاری» تحلیل و تفسیر نمود. با تأمل در کدهای محوری احصاء شده در خصوص پیامدهای مهاجرت بازگشتی اساتید، کد انتخابی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

الف) پیامدهای اقتصادی: اشتغال در فضای علمی و دانشگاهی، بهبود سطح زندگی و رفاه اقتصادی، انتقال سرمایه انسانی به کشور و

ب) پیامدهای فرهنگی: اعتلای سطح علمی و فرهنگی کشور، انتقال تجربیات علمی و تخصصی.

ج) پیامدهای اجتماعی: احساس نارضایتی/عدم رضایت از شرایط موجود، ایجاد تحولات اجتماعی مثبت توسط مهاجران بازگشتی، تزریق روحیه امید به جوانان.

براین مبنا، مقوله واحد و نهایی ارائه شده که با تأمل بر مقوله‌های محوری «پیامدهای اقتصادی»، «پیامدهای فرهنگی» و «پیامدهای اجتماعی» احصاء شده است، اشاره به پیامدهای خرد و کلان پدیده مهاجرت بازگشتی با ابعاد فردی و اجتماعی دارد. مقوله هسته را نیز می‌توان «توآمان بودن پیامدهای مثبت و منفی در ابعاد فردی و اجتماعی» تحلیل و تفسیر نمود. و در آخر، با تدقیق در کدهای محوری احصاء شده در خصوص راهبردهای تحقق مهاجرت بازگشتی اساتید، درخواستیم یافت که کدهای محوری «راهبردهای مدیریتی»، «راهبردهای اقتصادی» و «راهبردهای اجتماعی»، اشاره به راهبردها و سازوکارهایی ساختاری دارد. لذا کدهای انتخابی برای این سازه به صورت زیر است:

الف) راهبردهای مدیریتی: تغییر در سیاست‌های جذب هیئت علمی در کشور، کاستن از خلأ

میان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان دانشگاهی و... .

ب) راهبردهای اقتصادی: ایجاد ثبات اقتصادی در کشور، تأمین مالی اساتید، رفع معضلات معیشتی و درآمدی اساتید و... .

ج) راهبردهای اجتماعی: تخصیص وام‌های حمایتی به اساتید، ارتقاء نظام جامع بیمه‌ای و رفاه اجتماعی اساتید، ارتقاء شأن اجتماعی اساتید دانشگاه. به نظر محققان، مقوله هسته در این حوزه را می‌توان «الزام اعمال راهبردهایی در ابعاد مختلف» تحلیل و تفسیر نمود که بی‌شک، راهبردهای اقتصادی نسبت به سایر موارد مذکور، پررنگ‌تر و اثرگذارتر می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه که در زمره «مهاجرت افراد با مهارت بالا» است و از آن می‌توان به‌عنوان «بازگشت نخبگان» نیز نام برد، متأثر از عوامل و بستری «علی»، «زمینه‌ای» و «مداخله‌گر» بوده است که مجموع این عوامل، به تدریج عرصه را بر مهاجران تنگ نموده و تاب‌آوری آنان نسبت به شرایط مهاجرتی را بسیار کاهش داده و درنهایت، تجربه‌ای جدید در زندگی اساتید را در پی داشته و آن پدیده «مهاجرت بازگشتی» بوده است. یافته‌های اکتشافی این مطالعه حاکی از آن بود که عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر با ابعاد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی در بروز این پدیده در خصوص اساتید دانشگاهی ایرانی اثرگذار بوده است. طیف عمده‌ای از موارد مورد اشاره توسط مصاحبه‌شوندگان، مربوط به بیان تأثیر عوامل کلان اقتصادی و اجتماعی بر روند مهاجرت و بازگشتشان به کشور بوده است؛ عواملی چون کمبودهای معیشتی اساتید، مخارج بالای زندگی در خارج از کشور، نابرابری اجتماعی، اشتغال نامناسب/ عدم اشتغال، سرخوردگی اجتماعی و... که اثرگذاری مستقیم با ضریب تأثیر بالایی بر تصمیم آنها مبنی بر بازگشت داشته است. نتایج به‌دست‌آمده و تجربه زیسته اساتید در عواملی علی با ابعاد اقتصادی - اجتماعی نشان می‌دهد که عدم انطباق و فاصله نقش اساتید در تقسیم کار اجتماعی در کشور میزبان به تدریج باعث کناره‌گیری آنها از جامعه مبدأ و سرخوردگی هرچه بیشتر آنان شده است.

باتوجه به آنکه محیط (اقتصادی، اجتماعی و...) در همبستگی متقابل با خرده‌نظام اجتماعی و دیگر خرده‌نظام‌ها عهده‌دار تنها یک کارکرد یعنی ایجاد تطابق و سازگاری است، چنانچه فرد نتواند

ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذ برقرار کند، در چنین وضعیتی احساس بیگانگی بر او مستولی گردیده و به تبع آن، انتظارات و ارزش‌ها متأثر از باورهای فرد درباره توانایی‌هایش، فعالیت‌ها، اهداف و تجربیات گذشته وی قرار خواهد گرفت. براین مبنا می‌توان گفت: اساتید در کنش و برهم‌کنش با ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نیز ساکنان کشور میزبان تجربه‌های ویژه‌ای کسب می‌کنند که جایگاه و ساختار زندگی اجتماعی‌شان را شکل می‌بخشد؛ دراین میان، نابرابری اجتماعی مهم‌ترین چالشی است که پیش روی آنها قرار دارد؛ به طوری که حتی در یک جامعه توسعه‌یافته و مرفه نیز کماکان واقعیت سرسخت و چشمگیر نابرابری انسان‌ها انکارناپذیر است و عمدتاً در حوزه «اشتغال» خود را به خوبی نمایان می‌کند. بدین ترتیب که مهاجران تحصیل کرده که متعلق به قومیت، ملیت، یا نژاد متفاوتی هستند، برای جذب و اشتغال در یک جایگاه شغلی واحد اقبال یکسانی ندارند؛ چنان‌که در کشورهای مهاجرپذیر، مهاجران بر حسب شرایط نژادی و لحاظ شدن به عنوان شهروند درجه دوم، با وجود اینکه گاهی سرمایه اجتماعی هم دارند، اما به مشاغل گماشته می‌شوند که مردم بومی هم‌تراز آنها حاضر به انجام آن نیستند و این امر، تمایز و نابرابری بین مهاجران و افراد بومی در بازار کار را پیچیده می‌نماید. براین مبنا می‌توان ادعان نمود که رابطه دیالکتیکی بین نابرابری و مهاجرت وجود دارد.

حال، تأمل در یافته‌های مذکور و انطباق آن با چارچوب مفهومی پژوهش حاکی از آن است که یافته‌های حاصل از شناسایی عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر پدیده مهاجرت بازگشتی اساتید دانشگاه‌ها، مبتنی بر تلفیقی از رویکردهای نظری و میدانی (اکتشافی) ارائه شده می‌باشد؛ چرا که یافته‌های پژوهش مبین آن است که از جمله عوامل علی اثرگذار دراین خصوص، عوامل اقتصادی و اجتماعی و منحصراً توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مبدأ و دغدغه افراد دراین باره می‌باشد که مهاجران را ترغیب به بازگشت به کشور خود می‌نماید. باتوجه به آنکه مهاجران دانشگاهی، در اصل، در زمره سرمایه انسانی یک کشور و عنصر جدایی‌ناپذیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور قلمداد می‌گردند، بی‌شک بازگشت این سرمایه‌های انسانی که صاحبان تخصص و مهارت می‌باشند و انتقال دانش و تخصص خود به کشورهايشان، سبب سرعت گرفتن روند توسعه در آن کشورها می‌گردد. مهاجرت نیروی انسانی ماهر به نفع پیشرفته‌ترین و ثروتمندترین کشورها و به زیان کشورهای درحال توسعه است. حال چنانچه روند این مهاجرت معکوس گردد، بی‌شک تبعات آن نیز معکوس گشته و این کشورهای درحال توسعه می‌باشند که از منافع ناشی از مهاجرت معکوس بهره‌مند

می‌گردند؛ همچنین، یافته این پژوهش درخصوص کمبودهای معیشتی و رفاهی اساتید و اثرگذاری این عامل بر تصمیم اساتید بر مهاجرت بازگشتی نیز با رویکردهای نظری و اکتشافی هم‌راستا می‌باشد؛ چرا که دیدگاه مذکور بر این نکته تأکید دارد که سرمایه‌های انسانی، از مناطقی که دارای بازده پائین است خارج می‌شود و به سمت مناطق دارای بازده بیشتر حرکت می‌کند.

در آخر باید اذعان نمود که هرچند عوامل مذکور و نیز تجربه زیسته اساتید از مهاجرت به خارج از کشور، در نهایت، زمینه‌ساز آن می‌گردند که اساتید، روند مهاجرتی معکوسی را برگزینند و اقدام به «مهاجرت بازگشتی» به کشور نمایند، اما باین‌حال، آینده مهاجران بازگشتی به کشور، از چشم‌انداز روشنی برخوردار نیست و در بهترین حالت، در آینده کوتاه‌مدت مبهم است که علل این مهم را می‌توان در حقوق و مزایای پائین اساتید دانشگاه در مقایسه با کشورهای اروپایی، عدم وجود فرصت‌های شغلی برخی رشته‌ها برای جذب در صنعت کشور، بوروکراسی فرایند جذب مجدد در دانشگاه‌ها، ناپایداری اقتصادی - سیاسی کشور و به تبع آن نگرانی نسبت به آینده خود و فرزندان و... جستجو نمود. براین‌مبنای هرچند در قالب پژوهش حاضر، زمینه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فردی مؤثر بر پدیده مهاجرت معکوس اساتید دانشگاه شناسایی شدند، اما به دلیل پیوستگی متقابل پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی، در آینده نزدیک، به جهت شرایط اقتصادی حاکم بر کشور، احتمال روند مطلوب و چه‌بسا افزایش مهاجرت بازگشتی اساتید به کشور دور از ذهن است. باین‌وجود، چنانچه سیاستگذاران در کشور در قالب راهکارهایی، بهبود و پایداری شرایط عمومی اقتصاد کشور، توجه خاص به مسائل مالی و حقوق دریافتی اساتید دانشگاه‌ها، حرکت دانشگاه‌ها به سمت کارآفرینی، شبکه‌سازی و ایجاد نهادهایی به منظور برقراری ارتباط با جامعه مهاجران دانشگاهی خارج از کشور و نگرش به آنان به‌عنوان فرصت‌های بالقوه توسعه کشور و... را مدنظر قرار دهند، می‌توان فرایند مذکور را بهبود بخشید و روزبه‌روز شاهد افزایش روند مهاجرت بازگشتی اساتید به کشور ازسویی و نیز کند شدن روند مهاجرت آنها به سایر کشورها ازسوی دیگر باشیم. چرا که مهاجرت بازگشتی با توجه به ترکیب و در هم تنیدگی عوامل ساختاری، محیطی و عاملیتی شکل می‌گیرد. بدین‌صورت که ساختار کشور مبدأ و مقصد، شرایط اقتصادی/فرهنگی و نوع سرمایه اجتماعی و عوامل انگیزشی (فردی) باعث می‌شوند که، نخست، مهاجران بازگشتی به‌مثابه بازیگران اجتماعی تلقی شوند که در مجموعه‌ای از انشعاب‌های ساختاری و رابطه‌ای اشتراک دارند و کنش‌گری می‌کنند و در مرحله بعد، ساختارهای شبکه‌ای متفاوت فرصت‌ها (در بستری معین)،

گرایش‌ها و راهبردهای مختلفی پیش می‌کشند. علایق و منابع بازیگران از همین چشم‌انداز منتج می‌شود و می‌تواند منجر به تصمیم برای مهاجرت بازگشتی شود.

در این راستا، راهکارهای به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

- تأمین اولویت‌های معیشتی - اقتصادی، بیمه‌ای و شغلی اساتید و تلاش به منظور اتخاذ خط‌مشی برای برقراری تناسب معقول بین سطح تحصیلات، منزلت اجتماعی و درآمد در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور؛
- به‌روزرسانی علمی کشور و فراهم نمودن امکان دسترسی به منابع جدید و نیز امکانات پژوهشی و بهینه‌سازی سیستم آموزشی از طریق تقویت زیرساخت‌های علمی کشور؛
- اتخاذ سیاست‌هایی جهت جلوگیری از رانت و رفع موانع در مراحل جذب اعضای هیئت علمی و امتناع از پارتی‌بازی؛
- تغییر و بازنگری در ملاک‌های گزینش و جذب اعضای هیئت علمی؛
- تغییر و بهبود قوانین و مقررات و تدوین نظام اداری مبتنی بر شایسته‌سالاری؛
- اعمال سیاست‌های تشویقی برای بازگشت اساتید هیئت علمی از قبیل اجرایی نمودن طرح تسهیل صدور مجوز برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا، و حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی مهاجران نخبه بازگشتی و ...

منابع

- ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۷۹). مهاجرت نخبگان، گزارش تحقیقاتی، معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی).
- انصاری، حسین (۱۳۹۹). افزایش ۳۰ درصدی مهاجرت اساتید دانشگاه‌ها، خبرگزاری ایسنا، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/99110603814>
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و سمیه بهمرز (۱۳۸۵). چرایی مهاجرت نخبگان از ایران پس از پایان جنگ تحمیلی، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴، صص ۶۷-۲۷.
- زرقانی، سیدهدادی و سیده‌زهرا موسوی (۱۳۹۱). مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۲۶-۸.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). مهاجرت، تهران: انتشارات سمت.
- سالنامه مهاجرتی ایران (۱۳۹۹). رصدخانه مهاجرت ایران (پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی

شریف)، تهران، ناشر: معاونت علمی و فناوری، مرکز ارتباطات و اطلاع رسانی، دانش بینان فناوری. سعیدی، سعیده (۱۳۹۸). مهاجرت بازگشتی متخصصان و آموزش عالی ایران: آسیب شناسی فرآیند بازیابی هویت حرفه‌ای مهاجران در نهاد دانشگاه، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۵، شماره ۴، صص ۹۷-۱۲۰.

صلواتی، بهرام (۱۳۹۹). نگاهی به مهمترین تحولات مهاجرت در عرصه جهانی و داخلی، سایت بنیاد ملی نخبگان، قابل دسترس در: <https://www.bmn.ir/fa-IR/News/News/110757>

صناعی، علی (۱۳۹۷). مشوق‌ها و موانع بازگشت به کشور، بررسی موردی متخصصان مقیم ایالات متحده آمریکا، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۹۷، صص ۳۲۴-۲۹۰.

قاسمی اردهابی، علی و رضا نوبخت (۱۳۹۵). علل و تعیین کننده‌های جریان‌های مهاجرت معکوس در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱۱، شماره ۲۱، صص ۷۰-۴۱.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.

محمدی، عبدالله (۱۳۹۴). بازگشت پایدار و بازادغام: بررسی ابعاد اقتصادی- اجتماعی بازادغام بازگشت‌کنندگان افغانستانی از ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

مشفق، محمود و عطیه نصری (۱۳۹۷). مهاجرت بازگشتی دانشجویان ایرانی و تعیین‌کننده‌های آن: مطالعه‌ای در بین دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و کانادا، فصلنامه جمعیت، سال ۲۵، شماره ۱۰۳ و ۱۰۴، صص ۹۱-۱۱۲.

موسوی‌راد، سیدحامد و حسین قدسیان (۱۳۹۴). تحلیل مهاجرت نخبگان و تأثیر سیاست‌های بازدارنده با استفاده از پویایی‌های سیستم، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت راهبردی، دوره ۲۱، شماره ۵۹، صص ۶۳-۳۷.

Behrouzina, T. (2001). The Socio-demographic Characteristics of Muslim Communities in Australia, 1981-1996. Ph.D. thesis, The University of Adelaide, Adelaide.

Black, R. & K. Koser (1999). The End of the Refugee Cycle?, Berghahn Books.

Bovenkerk, F. (1974). The Sociology of Return Migration: A Bibliographic Essay, Martinus Jijhoff, The Hague, Netherlands, chapter VI.

Cassarino, J. P. (2004). Theorising Return Migration: The Conceptual Approach to Return Migrants Revisited, *International Journal of Multicultural Societies*, 6 (2): 253-279.

Cuamea Velazquez, F. (2000). Approaches to the Study of International Migration: A review. *Estudios Fronterizos*, 1(1).

Dustmann, C. & Y. Weiss (2007). Return Migration: Theory and Empirical Evidence from the UK, *British Journal of Industrial Relations*, 45 (2): 236-256.

- Gasemi, M., J. Javan, & Z. Saberi (2014). The Analysis of Reverse Migration's Formation in Rural Areas of Binalood County. *Journal of Arid Geographical studies of dry areas*, 4 (16): 15-37 (In Persian).
- Haasde, H., & T. Fokkema (2011). The Effects of Integration Transnational Ties on International Return Migration Intentions Demographic Research, pp: 755-782.
- King, R. (2000). Generalisations from the History of Return Migration, in *Return Migration: Journey of Hope or Despair?*, edited by B. Ghosh, IOM/UN: Geneva. 7-55.
- Koser, K., & K. Kuschminder (2015). Comparative Research on the Assisted Voluntary Return and Reintegration of Migrants, *International Organization for Migration*.
- Kothari, U. (2002). Migration and Chronic Poverty; *Institute for Development Policy and Management*; Working Paper, 16, 18.
- Lee, E. S. (1966). A Theory of Migration, *Demography*, 3(1): 47-57.
- Mason, C., & F. Rawlings-Sanaei (2014). Academic Migration, Discipline Knowledge and Pedagogical Practice, *Voices from the Asia-Pacific*. New York: Springer.
- Roudgar, I. (2014). The Global Brain Drain: Theory and Evidence: *Lap Lambert Academic Publishing*. ISBN: 978-3-956-60752-3.
- Saloutos, T. (1956). *They Remember America: The Study of the Repatriated Greek-Americans*, University of California Press, Berkeley.
- Şener, M. Y. (2018). Return Migration of Qualified Turkish Migrants from Germany and the US, *The Journal of Humanity and Society*: 52-72.
- Senyurekli, A. R., & C. Menjivar (2011). Turkish Immigrants' Hopes and Fears Around Return Migration, *Journal of International Migration*, 50 (1): 4-19.
- Setrana, M. B., & S. Tonah (2014). Return Migrants and the Challenge of Reintegration: The Case of Kumasi, Ghana, Irinkerindo: *A Journal of African Migration*, Issue 7: 113-142.
- United Nation (2008). *World Migration Report*, the UN Migration Agency.
- Yehuda, S. B., & J. Mirsky (2014). Return migration of Americans: Personal Narratives and Psychological Perspectives, *International Journal of Intercultural Relations*, 42: 53-64.

The Contexts of Return Migration of Faculty Members in Tehran: A Qualitative Study¹

Atyeh Abdmolaei*, Reza Safari Shali**, Shahla Kazempour***

Abstract

This paper seeks to identify the contexts and grounds affecting the repatriation migration of university professors to the country during the last ten years using the grounded Theory approach and indepth interviews. The study population comprise of the university faculty members who have had the expereince of return migration to Iran. The sampling was conducted using purposeful and snowballing until theoretical saturation. The findings showed that the causal factors affecting the return migration include economical factors (welfare problems in relation to their salary and high expenses of life abroad), social factors (the feeling of social injustice, the vague status of employment, the feeling of social despair and the lack of social capital) and personal and motivational factors (family belonging and the sensation to improve the scientific level of Iran). Apart from the above mentioned causal factors, the underlying factors of "psychological" (psychological problems and emotional belongings of the individual) as well as "job-scientific" factors (the possibility of employment and job repulsion), along with interventional factors such as "lack of financial capacity" as well as associated policies (immigration and occupational) play a role in the occurrence of this phenomenon, which indicates the multidimensionality and intertwining of structural, environmental and agent factors which influence together the return migration.

Keywords: Migration, Return Immigrants, Lived Experience, Elite Migration, Structural and Agency Factors.

1. This article is an excerpt from the dissertation of the first author.

* Ph.D Student in Sociology, Department of Social Science, Faculty of Social Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: atyehmolaei@gmail.com

** Associate Professor of Social Welfare, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding author). E-mail: reza_safaryshali@khu.ac.ir

*** Associate Professor of Demography, Department of Demography, Faculty of Social Science, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: skazempour@gmail.com